



قاتلان قائد شهید امت به سزای عمل شان خواهند رسید



ویژه

محمد باقر قالیباف

رئیس مجلس شورای اسلامی

رئیس مجلس در پیامی بهمناسبت تشییع تاریخی رهبر شهید انقلاب نوشت: تحقق وعده الهی قطعی است و متجاوزان به خاک ایران و قاتلان شهدای این سرزمین به ویژه قائد امت به سزای اعمالشان خواهند رسید.

در پیام محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی بهمناسبت تشییع تاریخی رهبر شهید انقلاب آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و قدرشناس ایران

داغ جانکاه قفسان رهبر شهیدمان و آخرین روز حضور جسم مبارک و مجروح او در پایتخت ام القرای جهان اسلام با تجلی وجه دیگری از بعثت شما در این مقطع حساس و سرنوشت ساز به حماسه و شعور تبدیل شد و حرکت به سمت پیروزی قطعی ایران اسلامی و جهان اسلام را شتابی دوجندان بخشید.

مردمی که ۴۷ سال پیشران و پشتیبان انقلاب شان بوده اند، در ۴ ماه گذشته هرشب با ندای مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل نفرت و انزجار خود را از قاتلان امام شهیدمان فریاد زدند و «انتقام» را خواستار شدند.

تحقق وعده الهی قطعی است و متجاوزان به خاک ایران اسلامی و قاتلان شهدای این سرزمین به ویژه قائد امت، به سزای اعمال شان خواهند رسید و کام نهایی انتقام از مستکبران با آزادی قدس شریف عینیت می یابد.

ملت مبعوث شده، رهبرشان را بدرقه کردند و همچون ۴ ماه گذشته دست بیعت به سمت ولی فقیه حکیم مان حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای دراز کردند.

باید قدردان این مردم بود که در مسیر نورانی امام و شهدا ذره ای عقب نشینی نکردند.

دنیا امروز فهمید انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، پاینده و جاودان است و با پشتوانه ای این مردم، بن بست و شکستی وجود ندارد.

این ملت، از مکتب حسین علیه السلام و تربیت یافته امامین انقلاب اند که در ۳۷ سال دوران زعامت رهبر شهید انقلاب، نه تنها روحیه جهاد و مبارزه را حفظ کرده اند؛ بلکه ساختارمند و محکم در برابر زورگویان دنیا ایستاده اند.

قدر شما را باید دانست و از هیچ تلاشی برای احقاق حقوق تان کوتاهی نکرد. چه در پای لانچر و دفاع از کشور، چه در عرصه دیپلماسی و مذاکره به عنوان بخشی از مبارزه ی تمدنی و اصولی با سلطه گران و چه در عرصه خدمت به شما برای گشایش امور معیشتی و اقتصادی.

امید است توجه به توصیه های اکید رهبر شهید و رهبر معظم انقلاب در کار بی وقفه و موثر برای مردم، با همت مسئولین محقق شود.

پیغام انتقام

تاکید میلیون ها عاشق و عزادار حاضر در مراسم های وداع و تشییع رهبر شهید بر لزوم خونخواهی و انتقام

روایت الاخبار از برکات تشییع میلیونی رهبر شهید انقلاب ایران

۴

الجزیره:

پرچم های سرخ در تشییع رهبر شهید یک نماد خاص است

۴

رویترز: پیام های تشییع میلیونی

تبدیل دستاوردهای جنگ به «اهرم فشار»

۴

باز هم ماییم و دنیای بی علی

یوم الحسرة

۷

صندوق توسعه ملی

یادگار رهبر شهید برای توسعه ایران

۵

وداع، تشییع عهد



آسادگی دائمی برای اصلاح فردی و اجتماعی و حرکت در مسیر عدالت و معنویت است.

از این منظر، آیین‌های سوگواری و تشییع، زمانی به عمق معنایی خود می‌رسند که به تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، عدالت‌خواهی و اصلاح‌گری در جامعه منجر شوند.

در غیر این صورت، به تجربه‌ای صرفاً عاطفی و مقطعی فروکاسته خواهند شد.

در سطح سیاسی، این لحظات تاریخی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به آینده ایفا کنند.

جامعه‌ای که در آئین وداع، تشییع، بر ارزش‌های مشترک خود تأکید می‌ورزد، در واقع در حال ترسیم نقشه راه آینده خویش است. این نقشه، نه بر اساس فردمحوری، بلکه بر اساس آرمان‌محوری شکل می‌گیرد؛ جایی که ارزش‌ها از افراد فراتر می‌روند و به اصولی پایدار برای حکمرانی، رفتار اجتماعی و کنش جمعی تبدیل می‌شوند.

در عین حال، نباید از تنوع برداشت‌ها و خوانش‌ها نسبت به چنین رخدادهایی غافل شد.

هر جامعه‌ای در مواجهه با رویدادهای بزرگ تاریخی، لایه‌های مختلفی از معنا را تجربه می‌کند؛ از سوگ و عاطفه گرفته تا تحلیل سیاسی و بازخوانی تاریخی.

این تنوع، نه نشانه تفرقه، بلکه بیانگر عمق و پیچیدگی تجربه انسانی در مواجهه با تاریخ است.

در نهایت، وداع، تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب را می‌توان به‌مثابه یک «پیمان جمعی» در نظر گرفت؛ پیمانی که در آن جامعه با خود و با تاریخ خویش تجدید عهد می‌کند.

این عهد، اگر به درستی فهم و تدلوم یابد، می‌تواند به نیرویی برای بازسازی اخلاق عمومی، تقویت عدالت اجتماعی و ارتقای مسئولیت‌پذیری جمعی تبدیل شود.

از این منظر، وداع، پایان نیست؛ آغاز است. سرفصل مسیری که در آن، اندیشه‌ها از مرز حضور فیزیکی عبور کرده و در قالب فرهنگ، سیاست، اخلاق و رفتار اجتماعی استمرار می‌یابند.

و این همان نقطه‌ای است که آیین وداع، تشییع، از یک مراسم، به یک «فلق راهبردی» برای آینده یک جامعه تبدیل می‌شود؛ افقی که در آن، شهادت نه فقدان، بلکه استمرار مناسبت.

آیین تشییع رهبر شهید، در ظاهر بدرقه جسمانی یک انسان است، اما در عمق خود، صحنه بازتولید معنا، بازخوانی آرمان‌ها و تجدید عهد با مسیری است که او نمایندگی می‌کرد.

در تاریخ ملت‌ها، لحظاتی وجود دارد که از مرز یک رویداد معمول عبور کرده و به نقطه عطفی در حافظه جمعی تبدیل می‌شوند.

تشیع پیکر رهبران بزرگ و شخصیت‌های اثرگذار، از جمله همین لحظات است؛ لحظاتی که در آن، جامعه نه تنها با فقدان یک فرد روبه‌رو می‌شود، بلکه با پرسش بنیادین «ادامه راه» مواجه می‌گردد.

در چنین صحنه‌هایی، وداع، تشییع با پیکر رهبر شهید نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حضرت ایت الله العظمی امام خامنه‌ای (ره)، صرفاً یک آیین سوگواری نیست، بلکه تجلی یک هویت تاریخی، یک اراده جمعی و یک بازتعریف از آینده است.

این آیین، در ظاهر بدرقه جسمانی یک انسان است، اما در عمق خود، صحنه بازتولید معنا، بازخوانی آرمان‌ها و تجدید عهد با مسیری است که او نمایندگی می‌کرد.

جامعه در این لحظه تاریخی، در برابر آینده‌ای قرار می‌گیرد که در آن، گذشته، حال و آینده به هم پیوند می‌خورند و مسئولیت‌ها از نو تعریف می‌شوند. وداع، تشییع در این معنا، پایان نیست؛ آغاز یک مرحله تازه از آگاهی و تعهد تاریخی است.

در سنت‌های دینی و به‌ویژه در فرهنگ اسلامی، شهادت و وداع با شهیدان، همواره واجد بار معنایی عمیق و چندلایه بوده است.

شهادت، نه خاموشی یک صدا، بلکه آغاز طنین گسترده‌تر یک پیام است.

رهبر شهید انقلاب نیز در چنین منظری، صرفاً یک فرد نیست، بلکه نماد یک گفتمان، یک مسیر و یک منظومه ارزشی است که با فقدان جسمانی او متوقف نمی‌شود، بلکه در سطح جامعه بازتولید می‌گردد.

آئین وداع، تشییع در این چارچوب، به صحنه‌ای از هم‌افزایی عاطفه، عقلایت و اراده جمعی تبدیل می‌شود.

اشک‌ها و سوگ‌ها، تنها بیان‌انده نیستند؛ بلکه نشانه‌ای از پیوند عمیق مردم با آرمان‌هایی هستند که در جان جامعه ریشه دوانده‌اند.

در چنین لحظاتی، عاطفه از سطح فردی فراتر رفته و به نیرویی اجتماعی تبدیل می‌شود که می‌تواند انسجام، همستگی و بازسازی اعتماد جمعی را تقویت کند.

از منظر سیاسی و اجتماعی، وداع، تشییع بارهبر شهید انقلاب را می‌توان یک لحظه بازتعریف نظم معنایی جامعه دانست.

در این لحظه، جامعه نیت‌ها گذشته خود را مرور می‌کند، بلکه نسبت خود را با آینده نیز بازسازی می‌نماید.

پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان آرمان‌هایی را که در مسیر یک رهبر شهید تبلور یافته، به سیاست، فرهنگ و رفتار جمعی تبدیل کرد؟ پاسخ به این پرسش، نقطه آغاز مسئولیت تاریخی نسل‌های بعدی است.

در ادبیات آیینی شیعه، واقعه عاشورا نمونه‌ای بنیادین از تبدیل فقدان به ماندگاری است. در این نگاه، شهادت پایان نیست، بلکه آغاز یک جریان تاریخی است که در هر عصر، بازتفسیر و بازآفرینی می‌شود.

از همین رو وداع، تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب نیز در امتداد همین سنت معنایی قرار می‌گیرد؛ جایی که فقدان فیزیکی، به استمرار فکری و هویتی تبدیل می‌شود.

در سطح راهبردی، چنین آئین‌هایی نقش مهمی در بازسازی سرمایه اجتماعی و تقویت انسجام ملی دارند.

جامعه‌ای که بتواند فقدان رهبران خود را به فرصتی برای بازاندیشی در ارزش‌ها و اهداف مشترک تبدیل کند، از ظرفیت بالاتری برای پایداری و استمرار برخوردار خواهد بود.

در این چارچوب، وداع، تشییع نه یک پایان احساسی، بلکه یک نقطه عطف در بازآرایی نیروهای اجتماعی و معنوی است.

مفهوم انتظار در اندیشه شیعی نیز در این زمینه قابل توجه است. انتظار، تنها یک حالت منفعلانه برای وقوع آینده نیست، بلکه نوعی



تجلی حیات طیبه ملت ایران

■ محسن اسماعیلی، معاون راهبردی و امور مجلس رئیس‌جمهور، در حاشیه مراسم تشییع باشکوه پیکر رهبر انقلاب اسلامی، با ستایش حضور عظیم، آگاهانه

و بی نظیر ملت ایران، این اجتماع تاریخی را جلوه‌ای از بصیرت، وفاداری و پیوند ناگسستنی مردم با مکتب انقلاب اسلامی توصیف کرد و گفت: آنچه امروز در پهنه

ایران اسلامی رقم خورد، صرفاً بدرقه پیکر یک رهبر بزرگ نبود؛ بلکه تجلی دوباره حیات طیبه ملتی بود که در پرتو ایمان، ولایت‌مداری و خودآگاهی تاریخی، عهد

خویش را با آرمان‌های بلند امامین انقلاب تجدید کرد.

وی با بیان اینکه این حضور باشکوه، حامل پیام‌های عمیق راهبردی هم برای دوستان و هم بدخواهان ملت ایران است، اظهار داشت: ملت ایران در دوران پس

از انقلاب کم حماسه نیافریدند اما حماسه وداع و بدرقه با رهبر شهید رنگ و بوی دیگری داشت. تا انسان درون این امواج خروشان و سیل عظیم مردم عزادار نباشد

نمی‌تواند عظمت این مردم باوفا، مقاوم و حماسه ساز را درک کند، ملتی که آمده تا ندای خونخواهی خود را به گوش جهانیان برساند.

اسماعیلی افزود: این جمعیت بار دیگر نشان داد که سرمایه حقیقی این نظام، ایمان مردم، اعتماد متقابل میان امت و ولایت و ریشه‌های عمیق انقلاب اسلامی در جان

و ضمیر این ملت است. این حضور بی‌بدیل، روایت زنده‌ای از اقتدار نرم جمهوری اسلامی و نشانه‌ای آشکار از شکست همه محاسباتی است که بر گسست میان

مردم و نظام استوار شده بود. معاون راهبردی و امور مجلس رئیس‌جمهور افزود: این بدرقه تاریخی، نمایش وحدت ملی حول محور ولایت و تصویری روشن از سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی بود؛ سرمایه‌ای که در مقاطع حساس، همچون چشمه‌ای

جوشان، ضامن اقتدار، ثبات و تداوم حرکت تمدنی جمهوری اسلامی ایران بوده و خواهد بود و تردید نکند یاد و نام خامنه‌ای شهید تا ابد در رگ این ملت خواهد

چرخید. اسماعیلی با تأکید بر اینکه چنین حماسه‌هایی مسئولیت کارگزاران نظام را سنگین‌تر می‌کند، تصریح کرد: امروز بیش از هر زمان دیگری، همه مدیران و مسئولان باید خود را در برابر این اعتماد عظیم مردمی پاسخگو بدانند و با اخلاص،

کارآمدی، عدالت‌ورزی و مجاهدت بی‌وقفه، پاسدار این سرمایه گران‌سنگ باشند و مسیر ترسیم‌شده از سوی رهبر شهید و رهبر عظیم‌الشان کنونی انقلاب اسلامی

را با صلابت ادامه دهند. وی همچنین خاطر نشان کرد: به لطف خداوند رهبر رشید کنونی ما هم به نام و هم به مرام پیرو و تالی رهبر سفر کرده ما است و این ملت

هم زمان با وداع تاریخی با قائد شهید خود، با رهبر جدید بیعت می‌کنند و همان‌گونه که در گذشته پیرو سیدعلی حسینی خامنه‌ای بودیم امروز هم زیر پرچم رهبری

آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای خواهیم بود. اسماعیلی همچنین تأکید کرد: مردم بیش از چهار ماه است در دفاع از ایران و ولایت در خیابان هستند، این خلوص و

برانگیختگی و حضور آگاهانه و عاشقانه مردم تنها با شب‌های عملیات دفاع مقدس قابل مقایسه است. مردم در خیابان هستند تا ندای خونخواهی سر دهند و حافظ

ایران اسلامی باشند. معاون رییس‌جمهور در خصوص اظهارات سیخف رییس‌جمهور آمریکا گفت: ترامپ مانند خفاشی است که توان دیدن حضور نورانی مردم

و خورشید جمال خامنه‌ای را ندارد و عجیب نیست که سررگم باشد چرا که رهبر شهید به ما جرأت طوفان داد و به ما آموخت که می‌توان به اتکا به خداوند می‌توان

در برابر همه قدرت‌ها ایستاد.



آخرین قاب خاطره مردم تهران از آقا



چه بسیار پدرانی که فرزندانشان را بر دوش گرفته بودند تا آخرین نگاه را از دست ندهند. چه بسیار مادرانی که اشک‌هایشان را از کودکانشان پنهان می‌کردند اما صدای بغضشان پنهان نمی‌شد. چه بسیار پیرمردانی که با عصا آمده بودند تنها برای اینکه بگویند در این جای خالی‌شان در

میان مردم نباشد. تهران امروز یک خانواده بزرگ بود خانواده‌ای که عزیزش را تا آخرین لحظه همراهی می‌کرد.

از فردا دیگر کسی در انتظار دیدار دوباره نخواهد بود. دیگر هیچ خبری از حضورش در این شهر منتشر نخواهد شد. دیگر خیابان کشوردوست چشم به راه مشتاقان دیدارش نمی‌ماند. آنچه باقی می‌ماند خاطره است خاطره

مردی که سال‌ها در قاب زندگی مردم تهران حضور داشت و آخرین قاب حضورش در میان تشییع میلیون‌ن مردم این شهر رقم خورد.

شاید سال‌ها بعد وقتی از این روز سخن گفته شود، کسی از شمار جمعیت یا طول مسیر تشییع نپرسد اما همه از یک تصویر یاد خواهند کرد شهری که ایستاده بود، اشک می‌ریخت و آرام‌آرام آخرین خاطره

خود را بدرقه می‌کرد.

و شاید تلخ‌ترین حقیقت همین باشد که از فردا هر کس از همان

■ تهران دوشنبه فقط یک شهر نبود حافظه‌ای بود که آرام‌آرام ورق می‌خورد. خیابان‌هایی که سال‌ها نام و صدای او را در خود شنیده بودند،

این بار در سکوتی سنگین آخرین قاب خاطره‌شان را با او ثبت کردند. قایی که نه در آلبوم‌ها جا می‌گیرد و نه از ذهن مردمی که در آن حضور

داشتند پاک خواهد شد.

این شهر او را بارها دیده بود در روزهای جشن و امید، در نمازهای عید، در جمعه‌های پرشور، در روزهای سخت و در لحظه‌هایی که مردم چشم

به سخن و حضورش داشتند. هر نسل از تهران خاطره‌ای از او در ذهن خود دارد یکی از نخستین دیدارش، یکی از دست‌تکان‌دانش، یکی از

لبخندهای آرامش، یکی از جمله‌هایی که در روزهای دشوار امید را به دل‌ها بازمی‌گرداند اما همه آن خاطره‌ها در یک تصویر خلاصه شد پیکری که بر

خودروی تشییع آرام از میان خیل عظیم عزاداران عبور می‌کرد و میلیون‌ها نگاه اشکبار آخرین بدرقه را نفازش می‌کردند.

تهران امروز بیش از آنکه خیابان باشد اشک بود. اشکی که از چشم پیرمردی می‌چکید که سال‌ها با نام او زیسته بود، از نگاه مادری که

کودکش را بر شانه گرفته بود تا بگوید این روز را به خاطر بسپار و از بغض جوانی که تنها به تابوت خیره مانده بود و انگار نمی‌توانست باور

کند این آخرین دیدار است.

آنچه در تهران رقم خورد تنها یک تشییع نبود، وداع جانسوز مردمی بود که آمده بودند تا بگویند میان آنها و رهبر شهیدشان

پیوندی فراتر از زمان و فاصله وجود داشته است. از نخستین ساعات صبح خیابان‌ها دیگر گنجایش جمعیت را نداشتند. موج انسان بود که از

هر سو به سمت مسیر تشییع روانه می‌شد مردمی که شاید هر کدام تنها چند ثانیه نتوانستند خودرو حامل پیکر را ببینند اما همان چند ثانیه

را با هیچ خاطره دیگری عوض نمی‌کردند.

شاید هیچ وداعی به اندازه وداع با کسی که بخشی از خاطرات یک شهر شده تلخ نباشد. بعضی آدم‌ها فقط در تاریخ یک کشور حضور ندارند

در خاطرات روزمره مردم زندگی می‌کنند. نامشان با خیابان‌ها، میدان‌ها، نمازها، سخنرانی‌ها، ده‌ها و روزهای سخت گره می‌خورد. وقتی می‌روند فقط یک انسان از میان ما نمی‌رود بخشی از حافظه جمعی یک ملت

نیز به خاطره تبدیل می‌شود.

تهران آخرین تصویر خود را به او سپرد تصویری از خیل جمعیتی که آمده بودند تا نگذارند بدرقاهش در سکوت باشد. گویی همه شهر می‌خواست یک جمله را بی‌صدا بگوید که برای آخرین بار از میان ما

عبور کن همان‌گونه که سال‌ها در کنار ما بودی.



رهبر انقلاب با ترویج فرهنگ

نخبگان را حمایت کرد

■ جنت‌الاسلام والمسلمین عبدالمحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضمن عرض تسلیت و ادای احترام به مردمی

که در روزهای گرم تابستان از شهرهای مختلف کشور برای وداع با رهبر فرزانه انقلاب به تهران آمده بودند، از زحمات شبانه‌روزی

رسانه ملی در ایام جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران قدردانی کرد. وی گفت که علی‌رغم آنکه دشمن صهیونی

چندین مرکز صدا و سیما را هدف قرار داد، این رسانه توانست

جهاد تبیین را به‌خوبی به انجام برساند و اندیشه‌های رهبری را

به مخاطبان معرفی کند. دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در پاسخ به پرسشی درباره راز عشق و محبت مردم ایران و جهان

به رهبر فرزانه انقلاب، بر خدمت مخلصانه و صادقانه ایشان در طول عمر تأکید کرد. به گفته او، رهبری از دوران پیش از انقلاب

که با مبارزات سیاسی، تبعید و زندان همراه بود تا دوران دفاع مقدس که با وجود مسئولیت ریاست‌جمهوری، همواره در جبهه‌ها

حضور می‌یافت، هیچ‌گاه روزی از آرامش شخصی برخوردار نبود.

خسروپناه با اشاره به خاطرات شخصی خود از دیدارهای دزفول، از حضور میدانی رهبری در میان رزمندگان با پوشش‌های نظامی

گفت و این حضور را نمادی از همراهی واقعی ایشان با مردم و رزمندگان دانست. وی افزود که پس از پیروزی انقلاب و آغاز

رهبری با نخبگان دانشگاهی و المپیاد‌ها سخن گفت که در آن،

با وجود انتقادات صریح و گاه تند حضارن، رهبری با حوصله و

بردباری به سخنان گوش می‌داد، یادداشت‌برداری می‌کرد و در ادامه

با بیان دقیق نکات، گفتمان‌سازی می‌کرد. به تعبیر او، رهبری در

هر دیداری سخن نو و تازه‌ای برای مخاطبان داشت و این ویژگی، از عوامل اصلی نفوذ کلام ایشان در میان اقشار گوناگون جامعه

بود. نقش بی‌بدیل در شکوفایی علم و فناوری کشور خسروپناه

با اشاره به پیوند نزدیک حوزه علم و فناوری با شورای عالی انقلاب فرهنگی، تأکید کرد که رشد و بالندگی کشور در این حوزه،

به‌طور مستقیم مرون پیگیری، امیدآفرینی و حمایت رهبری بوده

است. وی گفت رهبری در ترویج فرهنگ «ما می‌توانیم»، نخبگان

علمی کشور را در مسیر دستیابی به فناوری‌های پیچیده همراهی

می‌کرد. به عنوان نمونه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی به

داستان شکل‌گیری پژوهشگاه رویان در حوزه سلول‌های بنیادین

اشاره کرد. بر اساس روایت وی، در ابتدای این مسیر، برخی

مسئولان مربوط به رهبری پیام داده بودند که این حوزه در توان

علمی کشور نیست و هزینه‌کرد در این زمینه نتیجه‌بخش نخواهد

بود. اما به دلیل باور و پیگیری مرحوم دکتر سعید کاظمی

آشتیانی و همراهی شاگردانش، رهبری از این مسیر حمایت مالی

و انگیزشی کرد و در نهایت پژوهشگاه رویان به دستاوردهای قابل

توجهی در این حوزه دست یافت که به گفته خسروپناه، امروز

نیز با گام‌های بلندتری در حال ادامه یافتن است. وی همچنین

به تولید داخلی ساتنریفیوژها اشاره کرد و گفت با وجود تحریم‌ها

و خودداری کشورهای دیگر از فروش این تجهیزات حساس به

ایران، محققان و فناوران داخلی توانستند انواع ساتنریفیوژهای مورد

نیاز صنایع مختلف، از جمله تولید دارو، را طراحی و بومی‌سازی کنند.

خسروپناه با تأکید بر اینکه یکی از حوزه‌هایی که مردم در روزهای

اخیر جنگ تحمیلی آن را به‌روشنی لمس کردند، حوزه دفاعی بوده

است. گفت رهبری به‌طور مستقیم راهبری این حوزه را بر عهده

داشت، اما این تنها بخشی از راهبری گسترده‌تر ایشان در تمامی

حوزه‌های علم و فناوری کشور بوده است. به گفته او، این خدمت،

خدمتی خالصانه و برای رضای خدا بوده، نه در پی کسب محبوبیت

یا تشویق مردمی. راز محبت جهانی: استکبارستیزی شجاعانه و

دفاع از مظلومان در بخش دیگری از این گفت‌وگو، خبرنگار شبکه

خبر با اشاره به پوشش زنده رسانه‌های خارجی از مراسم وداع

و حضور گسترده زائرانی از کشورهای همچون هند، پاکستان

و دیگر کشورهای اسلامی، از دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

درباره راز این محبت و ماندگاری جهانی پرسید. وی در پاسخ،

عامل اصلی این محبت را استکبارستیزی شجاعانه و دفاع پیکر از

مظلومان و مستضعفان جهان دانست. وی با اشاره به ماهیت رژیم

صهیونیستی، آن را مجموعه‌ای از افراد فاقد هویت ملی توصیف

کرد که از ملل مختلف گردهم آمده و در قالب نظامی سازمان

یافته‌اند. به گفته او، این رژیم در دهه‌های ابتدایی شکل‌گیری خود،

در رویارویی با کشورهای عربی که شعارهای ناسیونالیستی داشتند

و نه شعار اسلام، به سرعت توانست غلبه یابد، اما این وضعیت با

ظهور انقلاب اسلامی ایران دگرگون شد. خسروپناه با بیان اینکه

اگر انقلاب اسلامی ایران با تأخیر دو ساله رخ می‌داد، ایران با خطر

واقعی تجزیه مواجه بود، به وجود جریان‌های تجزیه‌طلب پیش

از انقلاب در مناطق مختلف کشور اشاره کرد و از سندی در میان

اسناد لانه جاسوسی آمریکا سخن گفت که بر اساس آن، وزارت

خارجه آمریکا خواستار تصرف تنگه هرمز و مناطقی از استان‌های

خوزستان، بوشهر و هرمزگان بود. وی تأکید کرد که پیروزی انقلاب

اسلامی مانع از تحقق چنین طرح‌هایی شد و در ادامه، ایران با

ایستادگی صادقانه در کنار مردم مظلوم فلسطین، غزه، عراق و

سوریه، الگویی عملی از دفاع از مظلومان ارائه داد که فراتر از شعار

بود.

امروز سمت درست تاریخ کجاست؟

و فضیلت هم‌خانواده شده است. کسی که به غرب می‌رود، عقل او در خدمت «ففس اُمّاره» است؛ نفس او تعفن قدرت را با قدرت تعفن در هم آمیخته است. تعفن تفرعن را با تعفن شهوت در هم آمیخته است. نفس نیز «تسلیم بوی پست تابوت تانجیب» می‌شود. حرکت او، حرکت انسانی است که نفسش با ظلم و رذیلت هم‌خانواده شده است. بنابراین در انسان شناسی سلوکی، انسان یک «موجود انتخابگر صرف» نیست؛ او «مجمّع بینش‌ها، منش‌ها و کشش‌های قلبی» است. امروز، منطقه شرقی جهان، تابوت کسی را دارد که «تصویر وجدان بیدار انسان» را حمل می‌کند؛ نه به خاطر اسمش، بلکه به خاطر رفتاری که از او در حافظه تاریخ مانده است. کسانی که به آنجا می‌روند، در واقع دارند از «خودِ خفته خویش» دل می‌کنند تا به «خود بیدار» ملحق شوند. اما کسانی که به غرب می‌روند، دارند از «خود بانده» میگریزند، چون بالندگی یعنی قبول مسؤولیت رنج دیگران، و آنها این بار را تحمل نمی‌کنند، بلکه خیانتانه بار بر روی دوش دیگران نهاده و به بردگی می‌کشانند، بلکه آنان را به سود خویش به مسلح می‌کشند. پاسخ عرفان سلوکی به «سمت درست تاریخ» این است: تاریخ، سویه ای ندارد؛ اما «قلب انسان» سویه دارد. هر کس به سمت تابوتی می‌رود که «خاطرات قلبِ خودش» را در آن بازمیابد.
مقیاس داوری، «مرگ جغرافیایی» نیست؛ مقیاس، «زندگی درونی ما با آن پیکر بیجان» است. اگر در مواجهه با آن تابوت، احساس کردی «باید بگیری تا او زنده شود»، تو در منطقه شرق هستی؛ و اگر احساس کردی «باید او بمیرد تا تو زنده بمانی»، تو در منطقه غربی وجود خودت اسیری. با توجه به این مقدمه، اکنون، در این لحظه تاریخی، ببینیم به کدام سمت تاریخ گرایش داریم؟ یک طرف بدن مطهر رهبر شهید ایران، حضرت آیت الله حاج سید علی خامنه‌ای در منطقه شرقی جهان قرار دارد. زیرا در پی اقامه حق، عدالت، رحیمیت، فضیلت و حمایت از نیازمندان و از تبار جزیره سبز بوده است. بوی خدا و آسمان و ملکوت می‌دهد. طرف دیگر نیز بدن نجس ترامپ یا نتانیاهو در منطقه غربی است. زیرا زورگو و ستمکار و دزدی و از تبار جزیره پست بوده اند. بوی تعفن و شیطنت و خیانت می‌دهد. سالک شرقی، هنگام نگاه به تابوت شهید، «تشانهای از خویشتن ممکن خود» می‌بیند. او درمی‌یابد که آن پیکر، تجسم «آخرین حدّ انسانیت» است؛ یعنی انسانی که از خود گذشت تا دیگری بماند. بینش او، بینش «تشخیص مثال‌اعالی انسانی» است. اما سالک غربی، هنگام نگاه به تابوت ظالم، «انکاس نهفته و خواسته و ترس‌های خود» را می‌بیند. او در آن پیکر، قدرت سرکوبگر تاریخ را می‌بیند و برایش بینش «بقا با همراهی قدرتمند» شکل می‌گیرد و دست به ستم و تجاوز می‌زند و خون همنوعان خود را برای بقای خود می‌ریزد. منش شرقی، «خوی رهاکردن خود به سود دیگری» است. این منش، ریشه در تجربه‌های زیسته سالک دارد؛ او بارها در زندگی، «لذت بخشیدن» را بر «لذت ستاندن» ترجیح داده است. پس وقتی تابوت شهید را می‌بیند، منش او فریاد می‌زند: «این مال من است! این منم». اما منش غربی،



«خوی چنگ زدن به قدرتی که مرا نمی‌بلعد». این فرد، در تمام عمر، «امیت» را در «همراهی با چیره‌گان» یافته است. پس تابوت ظالم برایش، «تماد بقا» ست. کشش شرقی، سالک، پیش از هر اندیشه‌ای، «انقباض قلب» را هنگام نگاه به تابوت شهید حس می‌کند (چیزی شبیه اشک بی‌مقدمه). این انقباض، نشانه‌ی «پژواک روح او با روح آن شهید» است. این کشش، از جنس «شوق ملکوتی» نیست؛ از جنس «رنج همزاد انسانی» است که در ضمیر ناخودآگاه او نقش بسته است. اما کشش غربی، سالک، هنگام نگاه به تابوت ظالم، «انبساط کاذب» حس می‌کند (حسی شبیه قدرت‌گیری). این انبساط، او را فریب می‌دهد که «این مسیر درست است»، درحالیکه این کشش، چیزی جز «شوق نفس اُمّاره به تکرار الگوی غالب متغن» نیست. کنش شرقی، حرکت به سوی شرق، یک «حرکت جسمانی» ست که همزمان با «حرکت درونی» رخ می‌دهد؛ یعنی قدم برداشتن به شرق، عین «قدم برداشتن به‌سوی خود برتر خویشتن» است. این کنش، برای سالک «عبور از نفس» معنا دارد. با عدالت و حقانیت همراه می‌شود و به سوی فضیلت می‌رود و اهل مقاومت در برابر ستم‌ها و تجاوز‌ها می‌شود. اما کنش غربی، حرکت به سوی غرب، «حرکتی است که در آن، بدن و نفس و از روح پیشی گرفته»، فرد بی‌آن که با قلبش همراهی کند، اراده و پاهایش را به سمت جایی می‌برد که «ستمگران و بستان می‌روند». بنابراین در این لحظه تاریخی: بینش شرقی، «رهبر شهید آیت الله سید علی خامنه‌ای» فقط یک شخص نیست؛ او «مصدّق کامل نفی نفس» در تاریخ معاصر است. هر که او را بشناسد، در حقیقت، «امکان تحقق عدالت درون خودش» را بازشناخته است. بینش غربی، ترامپ یا نتانیاهو، نه فقط به خاطر خودشان، که به خاطر «تماد بودن آنها برای نفسانیت جمعی»، مردم را به غرب می‌کشند. پس از نگاه انسان شناسی سلوکی، «سمت درست تاریخ» درون خود انسان است، نه در جغرافیا. اگر امروز، قلب تو با تابوت شهید، «اشک بیقار همدلی» ریخت، تو در شرق تاریخ هستی. حتی اگر در غرب جغرافیایی باشی. اگر امروز، با تابوت ظالم، «احساس امنیت واهی» کردی، تو در غرب وجودی‌ات اسیر شده‌ای، حتی اگر با پای خود به شرق بروی. تاریخ، بیرون نمی‌گذرد؛ تاریخ، درون «تحوی گرایش ما به تابوت‌ها» جریان دارد.

چرا امام در قم و مشهد دفن نشد؟



بعضی ها می گفتند: نه. من از آنهایی بودم که پافشاری می کردم امام را به قم نبریم، بلکه در آنجایی که در نظر گرفتیم، دفن شوند. بعد گفته شد که آنجا دور است و هنوز هم هیچ گونه آماده و تسطیح نشده است.

من گفتم باشد، ولی به شرطی حاضرم که یک جایی باشد در کنار بهشت زهرا که دو سه کیلومتر در دو سه کیلومتر باز باشد تا اگر خواستیم فعالیت های فرهنگی در آنجا انجام دهیم امکان داشته باشد. خلاصه با یکی، دو سه نفر از دوستانمان رفتیم و همین محل فعلی مرقد مطهر را انتخاب کردیم.

روزهای آخر که احساس کردیم حال امام روز به روز سخت تر می شود و کسی هم به جز من به نظر می رسید که از واکمّت مریضی اطلاع ندارد تصمیم گرفتیم که اعضای خانواده را به جز مادرم را جمع کنم و ماجرا را بگویم. لذا آنها را جمع کردم و در یک گوشه ای از حسینیه نشستیم. آنجا من مطرح کردم که تاکنون جریان را به شما گفته ام و موضوع چنین است. بعضی ها دلخور شده بودند که چرا ما را در جریان نگذاشتید. گفتیم: علت این بود که ما نمی خواستیم شما ناراحت شوید. در ثانی نمی خواستیم مساله کسالت امام درز پیدا کند. زیرا ممکن بود که بتوانیم این کسالت را کنترل کنیم و قصه را حل کنیم.»

محمّدعلی انصاری در این خصوص نحوه مدیریت تشییع و تدفین می گوید: «از لحظه ای که ما تشییع و تدفین را متکفل شدیم، بر این باور بودیم این پدیده ای است که در تاریخ معاصر سابقه نداشته و کسی

فرض کنید دو تن در کره زمین یکی با بمب صهیونی و دیگری با بمب اسلامی کشته شدند. بعد آن دو تن را به کره مریخ بردند و مردم جهان را فراخواندند که آزادند، در خاکسپاری آن دو شرکت کنند. فقط باید انتخاب کنند در منطقه شرقی دور تابوت اولی و منطقه غربی دور تابوت دومی گرد هم آیند و احترام بگذارند، به نظر شما کدام طیف از مردم، با چه بینش و منش و کنش و کنش در این دو منطقه گرد هم می آیند؟ هر کدام از از علوم انسانی مانند علوم جامعه شناختی، روان شناختی، سیاسی، حقوقی، مدیریتی، اقتصادی، فلسفی، کلامی به حتم برای آن پاسخی دارند و البته جای توجه دارند، اما عرفان اسلامی چه پاسخی دارد؟ عرفان نیز می‌تواند مسأله را با نگاه هستی شناختی یا غایت شناختی یا جهان شناختی پی بگیرد و پاسخی درخور دهد اما من می‌خواهم نگاه را روی خود انسان و با رویکرد انسان شناختی متمرکز کنم و ببینم انسانیت عرفان گرایانانه چه پاسخی دارد؟ در درون انسان چه می‌گذرد که در یکی از این دو منطقه گرایش پیدا می کند و سفر می کند؟ در حقیقت پاسخ عرفان سلوکی ناظر به تحول باطنی انسان در مواجهه با تاریخ است. انسان در مواجهه با دو تابوت، درگیر یک «جنگ هویتی درونی» می‌شود که نه فقط از سر شناخت، که از سر «همسختی وجودی» است. در انسان شناسی سلوکی و عرفانی، انسان دارای دو ناحیه عقل و چهل است که اولی به جنبه وجود روحانی که مستقیما متصل به وجود خداست تعلق دارد و دومی به جنبه وجود نفسانی که متصل به بدن است، تعلق دارد. عقل در ناحیه روحانی دارای انبوهی از خواسته های انسانی و شوق های آسمانی و ملکوتی و الهی است، ولی چهل در ناحیه نفسانی در خود انبوهی از خواهش های حیوانی و هواهای نفسانی و شیطانی دارد. اولی انسان را به پرهیزگاری، دنیاگریزی، پلهارت، حقانیت، عدالت، رحیمیت، فضیلت، معنویت، حمایت از نیازمندان و ضعیفان فرا می‌خواند و دومی انسان را به ستم، دنیاپرستی، مقام پرستی، شهوت پرستی، نجاست، رذیلت، تجاوز، خونریزی، سیلی بر نیازمندان و ضعیفان فرا می‌خواند. اکنون برویم روی پاسخ، کدام ناحیه از درون انسان به منطقه شرقی و غربی گرایش و مناسبت دارد، عقل یا چهل؟ روحانیت یا نفسانیت؟ انسانیت یا حیوانیت؟ آنان که به منطقه شرقی گرایش دارند و به آنجا سفر می‌کنند، با عقلانیت و انسانیت زیست کرده و می‌کنند و از آن دو حمایت می‌کنند. علت گرایش آنان به شرق، نه فقط « درستی عقیدتی آن تابوت»، که «تطابق آن تابوت با ساختار الگوی وجودی خودشان» است. آنان که به منطقه غربی گرایش دارند و به آن منطقه سفر می‌کنند، با نفسانیت و حیوانیت زندگی کرده و می‌کنند و دل مرده آن هستند. در انسان شناسی سلوکی، عقل و چهل، دو «مقام اقامت قلب» هستند، نه دو نیروی انتزاعی. کسی که به شرق می‌رود، عقل او به مقام «عقل منیر» رسیده که کارش «تشخیص بوی حقیقت از ضالالت است». این عقل، به اراده و نفس فرمان می‌دهد و اراده و نفس نیز «تسلیم سوی آسمانی تابوت شهید» می‌شود. حرکت او، حرکت انسانی است که روحش با حقانیت



یکی از اتفاقات تاریخی در سال ۱۳۶۸ انتخاب محل دفن رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی بود. حسین سلیمانی از اعضای تیم حفاظت حضرت امام در این خصوص می گوید:«لحظاتی پس از رحلت حضرت امام از طرف آقایانی که در داخل بودند از جمله آیت الله خامنه ای و آقایان هاشمی، موسوی اردبیلی و موسوی نخست وزیر ناله و شیون بالا گرفت. در داخل حیاط هم عده زیادی جمع شده بودند، آنها هم شنیدند و خودشان به شیون پرداختند.

این خبر به سه راه بیت هم رسید و عده ای از پاسدارها و مردمی که آنجا بودند خبر را شنیدند و ناله و شیون راه انداختند. آقای هاشمی احساس کرد که اگر اوضاع این گونه پیش برود ممکن است به مصلحت نظام نباشد لذا به حضار اعلام کرد که خبر پخش نشود و بگویند که داشتیم برای سلامتی حضرت امام دعا می کردیم و این ناله ها به هنگام دعا خواندن بود. خانواده حضرت امام هم آنجا بودند و آنها هم ناله و شیون می کردند.»

محمد علی انصاری هم از اعضای دفتر حضرت امام در این خصوص می گویند: «یادم هست درجلسه ویژه ای که در جماران برگزار شد مسئولین و سران نظام، جمعی از اعضای حوزه علمیه قم و جمعی از شریف بیت امام در آن حضور داشتند راجع به دو موضوع بحث شد. یکی اینکه مراسم تشییع از چه زمانی و با چه سبکی برگزار شود؟ و دوم اینکه امام کجا دفن شود؟ تقریبا اتفاق نظر شد که حداقل یکی دو روز برای فراهم کردن مقدمات تشییع باید فرصت داشته باشیم تا امکانات لازم آماده شود و از بعد امنیت و سایر مسائل برنامه ریزی شود. همه به این نتیجه رسید. که تشییع حضرت امام از مصلای تهران با یک روز توقف و استقرار پیکر مطهر حضرت امام در مصلی انجام شود. بلافاصله بعد از آن ستادی را در جماران تشکیل دادیم و عناصری از مسئولین سپاه، بسیج، حوزه علمیه قم، جهاد سازندگی و دستگاه های دیگر و تنی چند از شخصیت ها این موضوع مطرح و برای تشییع و خاکسپاری تقسیم کار کردیم.

مکان دفن امام موضوع مهم دیگری بود که در همان جلسه مسئولین راجع به آن گفتگو شد.این موضوع از ناحیه شخصیت ها و رجال سیاسی و حوزه ای پیشنهادات مختلفی داشت. از جمله قم و در حرم حضرت معصومه(س)، منطقه کوشک نصرت ، مسجد جمرکان، در حرم مطهر امام رضا (ع) و بعضی امکان داخل تهران مثل فرودگاه قلمه مرغی و همچنین محل فعلی مصلی امام خمینی(س) در تپه های عباس آباد و پیشنهاد دیگر هم بهشت زهرا(س) بود.»

اما تصمیم گیر نهایی در این مسئله فرزند و یادگار امام حجت الاسلام سید احمد خمینی بود.

آن مرحوم در این خصوص می گوید:«قبلاً راجع به محل دفن فکر کرده بودیم. یعنی یک روز من پیش خودم گفتم: اگر روزی امام طوری شدند، ما اینقدر ناراحتیم که نمی دانیم باید کجا دفن کنیم و کجا مناسب است! فکر کردم بین قم و تهران جای مناسبی است که، یک جایی را درست کنیم که باز باشد و شاید از شش، هفت ماه قبل ما خاکریز آنجا را به عنوان موسسه تنظیم و نشر آثار امام زدیم و برای محل فرشایش هم در نظر گرفتیم.

اما اولا آنجا درست نشد. در ثانی در اینکه امام کجا دفن شود، اختلاف نظر به وجود آمد. بعضی ها می گفتند: بیریم قم در مسجد بالاسر،



سند شجاعت و شرافت مسئولان نظام

نحوه شهادت قائد امت نشان دهنده شجاعت و شهامت مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران است و دروغ بودن همه تبلیغات علیه رهبر شهید انقلاب اسلامی و فرماندهان ارشد را نشان داد.

مراسم بزرگداشت شهید حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای قائد امت و اعضای شهید خانواده حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، امروز با حضور اقشار مختلف مردم در مسجد لیلہ القدر منطقه تهران نو تهران برگزار شد.

حجت الاسلام سعید رضا ربیعی استاد خارج فقه در این مراسم با اشاره به آیه ۱۵۴ سوره بقره، گفت: پیکر مطهر و منور رهبر شهید و اعضای شهید خانواده حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی بعد از چهار ماه میزبان ملت انقلابی و ولایت مدار ایران بود.

استاد خارج فقه با اشاره به حضور شخصیت های سیاسی، علمی و فرهنگی و نمایندگان بیش از صد کشور در مراسم وداع با پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب اسلامی، گفت: ملت ایران نیز طی روزهای ۱۳ و ۱۴ تیر ماه حضور حماسی در این مراسم وداع داشتند که بسیار قابل توجه بود و چشم جهانیان را خیره کرد. مفسر نهج البلاغه در ادامه با اشاره به چند دیدار خود با امام شهید، خاطرنشان کرد: مراسم وداع و تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب اسلامی تبدیل به مجلس روضه و سوگواری به وسعت ایران شد.

شهادت نوه خردسال رهبر شهید سند معصومیت قائد امت و نظام جمهوری اسلامی است

مبلغ دینی در ادامه با اشاره به شهادت نوه خردسال شهید آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای در حمله وحشیانه رژیم ترویرستی آمریکا، گفت: اتفاقاتی که در جنگ رمضان و به ویژه برای اعضای خانواده قائد شهید روی داد به گونه ای یادآور حوادث جاسنوز واقعه کربلا و نهضت حضرت سیدالشهدا علیه السلام است.

حجت الاسلام ربیعی در ادامه با بیان اینکه دژخیمان و دنیای ظلم و استکبار نوه خردسال رهبر شهید انقلاب اسلامی، دانش آموزان مظلوم مدرسه شجره طیبه میناب را به کدامین گناه به شهادت رساندند، گفت: سازمان ملل چرا در برابر این همه جانیت در جنگ تحمیلی سوم، دچار لکنت شده است و واکنشی نشان نمی دهد؟ چرا سازمان های به اصطلاح بین المللی سکوت کرده اند؟ رهبر شهید انقلاب اسلامی صدای بلند و رسای آزادی خواهی و استقلال ملت ایران بودند

استاد خارج فقه در ادامه با بیان اینکه ملت ایران، یک ملت مستقل و عدالت طلب است و به همین دلیل مورد دشمنی استکبار جهانی قرار گرفته است، گفت: رهبر شهید انقلاب اسلامی صدای بلند و رسای آزادی خواهی و استقلال ملت ایران بودند.

مفسر نهج البلاغه در ادامه با اشاره به حضور وسیع و گسترده و حماسی و تاریخ ساز ملت ایران در مراسم وداع و تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب اسلامی و اعضای شهید حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، افزود: نقش آفرینی مساجد، هیئت های مذهبی، مراکز قرآنی و حوزه های علمیه در تحقق این حماسه بی نظیر قابل توجه و ستودنی است. حجت الاسلام ربیعی در ادامه با اشاره به مظلومیت رهبر شهید انقلاب اسلامی، گفت: قائد امت در اوج شهامت، صلابت و اقتدار و در محل کارشان به شهادت رسیدند و نشان دادن همچون جدشان حضرت امام حسین علیه السلام حاضر به بیعت با یزید و لشکر کفر و شرک و نفاق نیستند.

واکنش آیت الله سید جواد خامنه ای درباره پیش بینی شهادت قائد امت

استاد خارج فقه در ادامه با اشاره به دوران مبارزه رهبر شهید انقلاب اسلامی، گفت: وقتی به حضرت آیت الله سید جواد خامنه ای پدر رهبر شهید انقلاب اسلامی گفتند که مراقب فرزندت باش، چرا که با این سخنرانی های انقلابی علیه رژیم طاغوت و محمدرضا، دچار آسیب می شود، مرحوم آیت الله سید جواد خامنه ای پاسخ دادند، اگر شهادت نصیب ایشان شود، همچون جد ما، حضرت سیدالشهدا علیه السلام به شهادت می رسد.

خطب مسجد لیلہ القدر تهران در ادامه با بیان اینکه سراسر زندگی شهید آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، خدمت، اخلاص، تقوا و تدین بوده است، یادآور شد: نحوه شهادت قائد امت نشان دهنده شجاعت و شهامت مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران است و دروغ بودن همه تبلیغات علیه رهبر شهید انقلاب اسلامی و فرماندهان ارشد ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای امنیت ی و انتظامی را نشان داد.

حجت الاسلام ربیعی در پایان با بیان اینکه امروز وظیفه ائمه جماعات مساجد، ائمه جمعه، مبلغان دینی و همه حوزویان حفظ وحدت ملی و انسجام اسلامی است، گفت: قطعا همه ما منتقم خون امام شهید هستیم ولی باید با صبر راهبردی و عقلائی مناطر بهتری فرصت برای ضربه زدن به ترامپ خبیث و نتانیاهوی کودک کش و ترورپست باشیم.

یادگار رهبر شهید برای توسعه ایران



جهانی سازماندهی کرد.

برای او مبارزه با استکبار جهانی فقط یک شعار نبود، بلکه راهبردی بود برگرفته از عمق تاریخ و هویت انقلابی ایران. با این حال، او سیاستمداری عمل‌گرا نیز بود و در موضوع برجام، با وجود بدبینی عمیق به غرب، راه مذاکره را برای رفع تحریم‌ها هموار کرد، هرچند که خسارت خروج آمریکا از این توافق، زخمی ماندگار بر پیکر اقتصاد ایران برجای گذاشت.

قائد شهید (رض) نقشی بی‌بدیل در توسعه علم و فناوری و رشد نهال اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان بنیان رشد پایدار اقتصادی پایدار و اقتدار ملی درون‌زا ایفا کرد.

هنوز کلام گیری آن رهبر حکیم مبنی بر «تا جان در بدن دارم، در خدمتگزاری به مردم فروگذار نخواهم کرد» در آذهان آحاد امت اسلام فراموش نشده بود که آن رهبر صادق الوعد به غایت مصداق «من قضی نخبه» شد. آری مردان خدا را عزتی بالاتر از شهادت نیست!

در آخرین سال‌های عمر پربرکت رهبر شهیدمان، ایران با هجمله‌های بی‌سابقه‌ای از سوی دشمنان مواجه شد.

ترور سردار سلیمانی، ناآرامی‌های داخلی و جنگ ترکیبی، همه و همه آزمون‌هایی بود که این رهبر دوراندیش و فرزانه، آنها را با صلابت و قاطعیت پشت سر گذاشت.

حتی در بحرانی‌ترین لحظات و زمانی که برخی خواستار عقب‌نشینی بودند، او بر اصول پافشاری کرد و فرمود که ایران در برابر زورگویی سر فرود نخواهد آورد.

یکی از آخرین تدابیر موثر آن حکیم ربانی برای توسعه ایران، صدور اذن سرمایه‌گذاری به صندوق توسعه ملی برای رفع موانع تأمین مالی طرح‌های بزرگ توسعه‌ای بود که برکات آن با به بهره‌برداری از صندوق‌های ارزی که برای تأمین مالی پروژه‌های آرزو و صادراتمحور شرکت‌های بزرگ صنعتی منتشر می‌شوند و با ضمانت شبکه بانکی همراه هستند. اما تا زمانی که فهرست این پروژه‌ها، بنگاه‌ها و سازوکار انتشار اوراق به‌صورت شفاف منتشر نشود، صندوق ارزی بیشتر شبیه یک ظرف آماده خواهد بود تا یک مسیر روشن برای تأمین مالی صادرات.

بازار سرمایه و صادرات: از شعار تا سازوکار در ادبیات سیاست‌گذاری اقتصادی ایران، پیوند دادن بازار سرمایه با بخش تولید و صادرات، هدفی قدیمی اما کمتر محقق‌شده است. بازار سرمایه در سال‌های گذشته بیشتر به محلی برای تأمین مالی ریالی شرکت‌های بزرگ بورسی، معاملات سهام و در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری در صندوق‌های طلا و درآمد ثابت تبدیل شده است. اما تأمین مالی صادرات، به‌ویژه تأمین مالی ارزی، ابزارها و الزامات متفاوتی دارد: زیرا بازپرداخت در آن باید بر پایه جریان درآمد ارزی باشد نه صرفاً سودآوری ریالی شرکت‌ها.

اگر صندوق‌های ارزی قرار باشد واقعاً به خدمت صادرات درآیند باید چند پیش‌شرط هم‌زمان فراهم شود. نخست آنکه پروژه‌های صادراتی قابل سرمایه‌گذاری باید از نظر فنی، تجاری و ارزی غربال شوند؛ یعنی مشخص باشد پروژه‌ای که از منابع صندوق استفاده می‌کند، چه افقی برای صادرات دارد، درآمد ارزی آن از چه بازارِی تأمین می‌شود و ریسک‌های تحریمی، انتقال پول و فروش خارجی آن چگونه مدیریت می‌شود. دوم آنکه باید اوراق یا ابزارهای مالی ارزی با استانداردهای روشن و ضمانت معتبر منتشر شود تا صندوق بتواند دارایی‌های کم‌ریسک و درآمدزا در اختیار داشته باشد. سوم آنکه رابطه میان بانک مرکزی، سازمان بورس، بانک‌های عامل و شرکت‌های متقاضی تأمین مالی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که از تبدیل صندوق ارزی به یک ابزار صرفاً تبلیغاتی جلوگیری کند.

مزیت بالقوه صندوق‌های ارزی برای صادرکنندگان چیست؟

در صورت اجرای درست، صندوق‌های ارزی می‌توانند دست‌کم سه کارکرد مهم برای بخش صادرات داشته باشند. نخست، ایجاد یک منبع جدید تأمین مالی خارج از ترازنامه بانک‌هاست. بسیاری از صادرکنندگان، به‌ویژه شرکت‌های صنعتی، برای توسعه ظرفیت تولید صادراتی، نوسازی تجهیزات یا تأمین سرمایه در گردش ارزی نیازمند منابعی هستند که شبکه بانکی به‌تنهایی قادر به پوشش آن نیست. صندوق ارزی می‌تواند بخشی از این شکاف را از طریق خرید اوراق ارزی یا سرمایه‌گذاری در ابزارهای مرتبط پوشش دهد.

دوم، این صندوق‌ها می‌توانند به شفافیت شدن مسیر بازگشت ارز و گردش منابع ارزی کمک کنند. وقتی سرمایه‌گذاری، سوددهی و تسویه در یک

یکی از آخرین تدابیر موثر رهبر شهید برای توسعه ایران، صدور اذن سرمایه‌گذاری به صندوق توسعه ملی بود.

مهدی غضنفری- رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمِنْهُمْ من قضی نخبه و مِنْهُمْ من یستطِر و ما بَدَلُوا تَبْدِیلاً»

تاریخ این مرز و بوم همواره شاهد رشادت و شجاعت بزرگانی بوده است که با بذل جان و آبرو بر عزت و شوکت ایران افزوده‌اند. بی‌تردید مصداق تام چنین رادمردانی در ایران معاصر امام خمینی کبیر (قدس سرّه) و خامنه‌ای شهید (قدس الله النفس الّزکیه)، بوده‌اند که با هدایت‌های حکیمانه خود ایران را چنان به کشوری مستقل و توانمند تبدیل کردند که اکنون به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، ائتلاف شوم نظام سلطه به رهبری آمریکا را بعد از یک سال تهاجم وحشیانه با تحمیل شکست از منطقه اخراج کرده است.

در دل تاریخ پرفراز و نشیب خاورمیانه، و در میان طوفان‌های سهمگین قرن، قامتی استوار از سلاله ایمان و سیاست برخاست. او که از حرم مطهر رضوی و کوچه‌های قدیمی مشهد برخاسته بود، پرورش‌یافته مکتبی شد که نه تنها ایران، بلکه معادلات جهانی را دگرگون کرد. سید علی خامنه‌ای، رهبری که دوران حیاتش، حماسه‌ای بی‌پایان از مقاومت، بصیرت و صلابت بود.

او از کودکی در دامان زهد و معرفت رشد یافت و در جوانی، شاگردی برجسته برای بنیانگذار انقلاب اسلامی شد. در دوران پرتلهاب مبارزه با طاغوت، و شش بار طعم تلخ زندان و شکنجه را چشید و تبعید را به جان خرید.

این ایمان و استقامت، او را در کنار امام خمینی (قُدس سرّه) قرار داد و در طلوع فجر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، او به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام نوپا، مسئولیت‌های خطیری را بر عهده گرفت.

اما حماسه زندگی او تنها به انقلاب ختم نشد. در سال ۱۳۶۰، هنگامی که ترور ناچوآمرندانه منافقین، پیکر او را هدف قرار داد، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای از این آتش، چون زری ناب بیرون آمد؛ اگر چه دست راست معظم له (رض) آسیب دید، اما عزم و اراده‌اش چندندان شد. او خود این واقعه را نجات الهی برای مسئولیت‌های سنگین‌تر می‌دانست. دوران ریاست جمهوری او مصادف با هشت سال دفاع مقدس بود؛ جنگی نابرابر که او در خط مقدم آن حضور یافت و با تکیه بر ایمان رزمندگان، طومار توطئه دشمنان را در هم پیچید.

با رحلت جانشین بنیانگذار انقلاب در سال ۱۳۶۸، بر دوش این امام

مجاهد، امانتی سنگین نهاده شد. بتدریج و با رهبری هوشمندانه عملاً تدبیر، شجاعت و نفوذ کلامش، او را به قله‌ای رفیع‌تر از گذشته رساند. آیت‌الله العظمی الامام خامنه‌ای (رض) با هوشیاری مثال‌زدنی، توازن پیچیده‌ای در ساختار قدرت ایران ایجاد کرد و توانست جمهوری اسلامی را از میان بحران‌های متعدد، سربلند بیرون آورد.

او نه تنها به عنوان فرمانده کل قوا، بلکه به عنوان مرجع دینی و راهبر سیاسی، تمامی شئون کشور را در دست داشت و در مقابل هرگونه نفوذ بیگانه، چون کوهی استوار ایستاد. در عرصه سیاست خارجی، او معمار «محور مقاومت» بود. او با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و تاریخ پرفراز و نشیب ایران، از فلسطین مظلوم تا حزب‌الله لبنان و نیروهای مقاومت در یمن و عراق را در برابر استکبار



بازار سرمایه در مسیر تأمین مالی ارزی

رونمایی از دو صندوق سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت ارزی در روزهای اخیر، بار دیگر موضوع پیوند بازار سرمایه با تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد، به‌ویژه صادرات، را به صدر بحث‌های اقتصادی بازگردانده است. این صندوق‌ها که مجوز فعالیت آنها از سوی بانک مرکزی صادر شده، از سوی سیاست‌گذاران به‌عنوان ابزاری تازه برای جذب منابع ارزی، هدایت سرمایه‌های راکد و کمک به تأمین مالی پروژه‌های صادراتمحور معرفی می‌شوند. با این حال، هنوز یک پرسش کلیدی بی‌پاسخ مانده است: منابع این صندوق‌ها دقیقاً قرار است صرف کدام پروژه‌ها و کدام شرکت‌ها شود؟

در هفته‌های اخیر با حضور مسئولان اقتصادی کشور از دو صندوق سرمایه‌گذاری درآمد ثابت ارزی رونمایی شد؛ صندوق‌هایی که قرار است در قالب یک ابزار جدید مالی، سرمایه‌های ارزی اشخاص حقیقی و حقوقی را جذب کرده و در دارایی‌های ارزی سرمایه‌گذاری کنند. پیش‌تر نیز بانک مرکزی با تصویب شیوه‌نامه مربوط به صندوق‌های ارزی، چارچوب فعالیت این صندوق‌ها را مشخص کرده بود؛ چارچوبی که بر اساس آن، سرمایه‌گذاری، نقل‌وانتقال واحدها و تسویه وجوه در این صندوق‌ها صرفاً به‌صورت ارزی انجام می‌شود و هرگونه تسویه ریالی در آن ممنوع است. از سوی دیگر، منابع این صندوق‌ها باید در دارایی‌های دارای ضمانت ارزی از جمله سپرده‌های ارزی، اوراق ارزی و گواهی سپرده‌های خاص ارزی سرمایه‌گذاری شود؛ موضوعی که هدف آن، کاهش ریسک سرمایه‌گذار و اطمینان بخشی نسبت به بازپرداخت اصل و سود سرمایه به ارز است. صندوق ارزی دقیقاً چه مسئولی را حل می‌کند؟

صورت‌بندی رسمی ماجر! این است که اقتصاد ایران سال‌هاست با یک خلأ مهم در حوزه ابزارهای سرمایه‌گذاری ارزی مواجه بوده است. بخشی از منابع ارزی اشخاص حقیقی و حقوقی یا در قالب اسکناس و سپرده‌های غیرفعال نگهداری می‌شود یا اساساً وارد چرخه تأمین مالی تولید و تجارت نمی‌شود. در چنین شرایطی، صندوق‌های ارزی می‌خواهند این منابع پراکنده را تجمع کرده و از طریق بازار سرمایه به سمت فعالیت‌های مولد هدایت کنند. در روایت سیاست‌گذار، این فعالیت مولد عمدتاً «پروژه‌های صادراتمحور و ارزآور» است؛ یعنی طرح‌هایی که یا خود به‌طور مستقیم صادرات ایجاد می‌کنند یا از محل درآمد ارزی خود، امکان بازپرداخت اصل و سود سرمایه را فراهم می‌سازند.

از همین زاویه، صندوق ارزی فقط یک ابزار سرمایه‌گذاری برای حفظ ارزش دارایی نیست؛ بلکه می‌تواند به یک حلقه واسط میان سرمایه‌های خرد ارزی و نیازهای مالی بنگاه‌های صادراتی تبدیل شود. اگر این سازوکار به‌درستی طراحی شود، بازار سرمایه برای نخستین بار می‌تواند نقش پررنگ‌تری در تأمین مالی صادرات ایفا کند؛ نقشی که تاکنون بیشتر بر دوش شبکه بانکی، خطوط اعتباری دولتی یا منابع محدود صندوق‌های توسعه‌ای بوده است.

حلقه مفقوده: پروژه‌ها کجا هستند؟

با وجود این تصویر جذاب، مسئله اصلی در همین نقطه آغاز می‌شود. ادعای رسمی آن است که منابع صندوق‌های ارزی به سمت پروژه‌های صادراتی هدایت می‌شود اما هنوز جزئیات عملیاتی این ادعا روشن نیست. مشخص نشده که چه پروژه‌هایی واجد شرایط استفاده از منابع



تله مصرف‌گرایی در سایه سوخت ارزان

از وزارت راه و شهرسازی، نوید پاک‌نژاد مشاور معاونت مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی در نشست هم‌اندیشی تشکل های حرفه ای حوزه ساخت و ساز با وزیر راه و شهرسازی، طرح «پیشران تحول فناورانه و صنعتی‌سازی در صنعت ساختمان و شهرسازی ایران» اظہار کرد: این پروژه در راستای ماده ۱۱۹ قانون برنامه هفتم پیشرفت و با هدف هم‌افزایی میان بخش‌های صنعت، معدن و مسکن طراحی شده است.

وی با اشاره به جایگاه راهبردی صنعت ساختمان گفت: این صنعت به‌عنوان یک صنعت پیشران، با بیش از ۲۰ صنعت اصلی

و ۱۵۰ صنعت پیشین و پسین در ارتباط است و هرگونه تحرک در آن موجب فعال شدن کل زنجیره، ایجاد ارزش افزوده و اشتغال می‌شود.

طرح پیشران تحول فناورانه و جایگاه راهبردی صنعت ساختمان

مشاور معاونت مسکن و ساختمان هدف اصلی این طرح را کاهش هزینه ساخت، ارتقای کیفیت و ایمنی ساختمان‌ها، تسریع در زمان اجرا و افزایش بهره‌وری مالی عنوان کرد و با اشاره به ضرورت‌های زیست‌محیطی آن تأکید کرد: این طرح با توجه به ناترازی‌های موجود، بر صرفه‌جویی در انرژی و آب تمرکز دارد و از دیگر اهداف آن، تقویت تقاضا برای صنایع فناورانه و ارتقای تابآوری ملی است.

پاک‌نژاد با اشاره به پشتوانه قانونی پروژه گفت: این طرح در چارچوب ماده ۱۱۹ برنامه هفتم پیشرفت و در ارتباط با مواد ۴۹، ۴۷، ۵۵ بند «الف» و ۹۹ این قانون تدوین شده و علاوه بر تحقق اهداف توسعه پایدار، به دنبال ارتقای تابآوری و رشد اقتصادی کشور است.

چالش‌های صنعت ساختمان و ضرورت تحول در ساختوساز

وی با اشاره به چالش‌های موجود اظهار کرد: حدود ۳۰ درصد از بافت‌های شهری کشور را بافت‌های فرسوده تشکیل می‌دهد. همچنین کمبود مسکن متناسب با توان اقتصادی خانوار، ساختوساز غیرصنعتی و سنتی و هدررفت منابع در حوزه انرژی، مصالح و زمان از مهم‌ترین مشکلات فعلی است. در ضمن نبود سیاست‌گذاری نوآورانه برای استفاده از فناوری‌های نوین در طراحی، اجرا و نگهداری ساختمان و همچنین ناهمگنی میان نظام شهری، شهرسازی و مدیریت شهری از دیگر چالش‌های اساسی است. مشاور معاونت مسکن و ساختمان در ادامه تأکید کرد: هدف این طرح، تحول فناورانه در زنجیره تولید ساختمان و شکل‌گیری الگوی ساخت صنعتی است و فراهم‌سازی زمینه سرمایه‌گذاری در گام‌های بعدی اجرای طرح است.

اهداف کلان طرح در نوسازی و صنعتی‌سازی بافت‌های شهری

پاک‌نژاد افزود: بر اساس این طرح، نوسازی هوشمند و فناورانه بافت‌های فرسوده در مقیاس ملی، ارتقای کیفیت طراحی و ساخت شهری، افزایش بهره‌وری انرژی، کاهش زمان و هزینه ساخت، بهبود ایمنی و افزایش عمر ساختمان از اهداف کلیدی به شمار می‌رود. همچنین افزایش سهم فناوری، نوآوری و شرکت‌های دانش‌بنیان در زیست‌بوم صنعت ساختمان و زنجیره تأمین مورد تأکید قرار گرفته است.

وی در خصوص بخش تأمین مالی طرح گفت: با استفاده از ظرفیت‌های صندوق نوآوری و شکوفایی، صندوق ملی مسکن و بازار سرمایه، ابزارهایی مانند فکتورینگ، قراردادهای بلندمدت خرید و پیش‌فروش مبتنی بر تولید فعال خواهد شد تا ابزارهای متنوع مالی در اختیار اجرای طرح قرار گیرد.

بررسی، دو کارگروه «تعیین و بررسی صلاحیت» و «تأمین مالی» برای ارزیابی و تخصیص مشوق‌ها تشکیل می‌شود.

بروندادهای اجرایی طرح پیشران تحول فناورانه در صنعت ساختمان

مشاور معاونت مسکن و ساختمان با اشاره به برونداد اجرایی این طرح گفت: ایجاد و توسعه کارخانه‌های صنعتی‌سازی و فناوری‌های نوین ساخت، شکل‌گیری شهرک‌های تخصصی مصالح نوآورانه و پیشرفته، توسعه پلتفرم‌های بازار تهاتر مصالح و ایجاد مراکز لجستیکی و ترانزیتی مصالح و نهاده‌های ساختمانی برای صادرات و جابه‌جایی در سطح کشور پیش‌بینی شده است.

پاک‌نژاد در پایان نیز به پیشنهاد استفاده از ظرفیت براون‌فیلدها، فضاهای بافت‌های فرسوده، پادگان‌ها و فضاهای شهری جدید تحت عنوان مجتمع‌های فناورانه که ترکیبی از مسکن، خدمات و اشتغال با استفاده از مصالح نوین و فناوری‌های صنعتی‌سازی اشاره کرد.

سازوکارهای تأمین مالی و مشوق‌های قانونی طرح صنعتی‌سازی

به گفته مشاور معاونت مسکن و ساختمان در این طرح، بخشی از ظرفیت‌های قانونی موجود در حوزه تأمین زمین برای طرح های پیشران، معافیت‌های گمرکی و تعرفه‌ای مورد استفاده قرار خواهد گرفت و بخشی دیگر در قالب این‌نامه صنعتی‌سازی در دولت و بخشی نیز در شورای عالی مسکن برای تصویب ارائه می‌شود.

تخصیص زمین برای اجرای پروژه‌های پیشران از محورهای اصلی این بخش است.

پاک‌نژاد یادآور شد: این طرح هم‌زمان بر هر دو بخش عرضه و تقاضای بازار فناوری و محصولات ساختمانی تمرکز دارد و برای نخستین‌بار هر دو سمت زنجیره تولید و مصرف در یک چارچوب واحد دیده می‌شود.

اصلاح مقررات، توسعه ابزارهای مالی و راهاندازی سامانه تقضا

وی در ادامه یادآور شد: اصلاحات در حوزه مقررات ملی ساختمان، مالیات، عوارض ساخت، بیمه تأمین اجتماعی و تسهیلات به‌صورت موازی در حال پیگیری است. همچنین ابزارهای جدید مالی شامل فکتورینگ، خرید بلندمدت و مشارکت در تولید در دستور کار قرار دارد.

بر اساس اعلام ارائه‌دهنده طرح، سامانه «تقضا» با عنوان «تحول فناورانه و صنعتی‌سازی ایران» ظرف هفته‌ای اتی آماده و فراخوان آن منتشر خواهد شد که در این سامانه، سرمایه‌گذاران پیشنهادهای خود را ثبت می‌کنند.



چارچوب رسمی و ارزی انجام شود، بخشی از منابعی که پیش‌تر بیرون از شبکه رسمی اقتصاد نگهداری می‌شد، ممکن است به مسیرهای قانونمند وارد شود. همین موضوع از منظر مدیریت بازار ارز نیز برای سیاست‌گذار اهمیت دارد.

سوم، اگر این ابزار به‌درستی جا بیفتد، می‌تواند فرهنگ سرمایه‌گذاری ارزی رسمی را در بازار سرمایه تقویت کند؛ به این معنا که افراد و بنگاه‌ها به‌جای نگهداری غیرفعال ارز، آن را در ابزاری قرار دهند که هم بازدهی ارزی داشته باشد و هم به تأمین مالی فعالیت‌های مولد کمک کند. اما ریسک اصلی کجاست؟ مشکل آنجاست که صندوق ارزی در اقتصاد ایران روی کاغذ ساده‌تر از اجراست. تجربه سال‌های گذشته نشان داده هر ابزار مالی تازه، اگر پشتوانه دارایی شفاف، قاعده نظارتی دقیق و سازوکار اجرایی روشن نداشته باشد، به‌سرعت از هدف اولیه خود فاصله می‌گیرد. در مورد صندوق‌های ارزی نیز همین نگرانی وجود دارد. اگر پروژه‌های صادراتی مشخص نشوند، اگر اوراق ارزی کافی و معتبر منتشر نشود، اگر ضمانت بازپرداخت صرفاً روی کاغذ بماند یا اگر سقف‌های سرمایه‌گذاری و مقررات ارزی مدام تغییر کند، صندوق‌ها ممکن است به جای آنکه به ابزار تأمین مالی صادرات تبدیل شوند، صرفاً به محلی برای پارک موقت منابع ارزی یا یک ابزار محدود سرمایه‌گذاری بدل شوند. از سوی دیگر، موفقیت این صندوق‌ها به اعتماد سرمایه‌گذار هم وابسته است. سرمایه‌گذاران ارزی زمانی حاضر است منابع خود را وارد صندوق کند که مطمئن باشد اصل سرمایه و سود او واقعاً به ارز و بدون اِهمام بازپرداخت می‌شود. پروژه‌های پشتوانه صندوق قابل اتکا هستند و سیاست‌گذار در میانه راه قواعد بازی را تغییر نمی‌دهد. به همین دلیل، تأکید بانک مرکزی بر ممنوعیت تسویه ریالی و لزوم سرمایه‌گذاری در دارایی‌های دارای ضمانت ارزی، در واقع تلاشی برای ساختن همین اعتماد اولیه است.

دو صندوق رونمایی شدند: آزمون واقعی تازه شروع شده است

رونمایی از دو صندوق سرمایه‌گذاری درآمد ثابت ارزی را می‌توان شروع یک مسیر جدید در بازار سرمایه دانست، اما این شروع به‌تنهایی برای موفقیت کافی نیست. اکنون مهم‌ترین مطالبه، انتشار جزئیات عملیاتی این ابزار است: نام صندوق‌ها و ارکان آنها، سقف جذب منابع، ترکیب دارایی‌های مجاز، پروژه‌ها و شرکت‌های هدف، نحوه انتشار اوراق ارزی، ضامن بازپرداخت و نسبت منابعی که واقعاً به تأمین مالی صادرات اختصاص خواهد یافت.

روایت سینما از یک روز تاریخی



بسیاری از آثار مشابه است.

اگر بسیاری از مستندهای تاریخی صرفاً محل اصلی برگزاری مراسم را ثبت می‌کنند، این پروژه تلاش دارد بازتاب اجتماعی این رویداد را در شهرهای مختلف نیز به تصویر بکشد؛ اینکه یک اتفاق ملی چگونه در نقاط مختلف کشور تجربه و بازنمایی می‌شود.

در چنین رویکردی، تنها یک مراسم ثبت نمی‌شود، بلکه فضای عمومی جامعه، واکنش مردم، حال و هوای شهرها و تجربه جمعی یک روز تاریخی نیز به بخشی از روایت تبدیل خواهد شد.

مستندسازی انجمن سینمای جوانان ایران از آئین بدرقه پیکر رهبر شهید

انجمن سینمای جوانان ایران نیز با اعزام بیش از ۵۰ گروه فیلمبرداری و عکاسی به محل تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب و برگزاری پوشش‌های مختلف در ثبت این رویداد بزرگ تاریخی شرکت داشته‌است.

سازماندهی بیش از ۵۰ تیم تخصصی فیلمبرداری و عکاسی برای پوشش مراسم در شهرهای تهران، قم، مشهد، نجف و کربلا از مهم‌ترین اقدامات انجمن سینمای جوانان ایران در ارتباط با مراسم وداع با پیکر رهبر شهید است.

همچنین همزمان با این اقدام، ۵۷ دفتر انجمن سینمای جوانان ایران در سراسر کشور نیز با پوشش تصویری مراسم، اجتماعات و حرکت‌های مردمی در بیش از ۱۵۰ شهر و روستا، به ثبت ابعاد مختلف این رخداد ملی می‌پردازند.

راهنمایی پویش عکس و فیلم موبایلی «طلوع ماه» نیز همزمان با ایام بدرقه، به همت انجمن سینمای جوانان ایران و با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، به گسترده‌تر کردن حوزه تأثیر سینما در ثبت این رویداد تاریخی نگاه ویژه دارد.

درواقع این نخستین بار نیست که سینمای ایران برای ثبت یک رخداد تاریخی به میدان می‌آید.

پس از رحلت امام خمینی (ره)، مجموعه‌ای از مستندها و آثار آرشیوی تولید شد که امروز به مهم‌ترین منابع تصویری آن مقطع تبدیل شده‌اند.

در سال‌های بعد نیز درباره رخداد‌های مهم ملی و مراسم‌های گسترده، مستندسازان تلاش کردند روایت‌هایی فراتر از گزارش‌های خبری خلق کنند .

تجربه نشان داده است که ارزش واقعی این آثار، سال‌ها بعد آشکار می‌شود؛ زمانی که پژوهشگران، مستندسازان و نسل‌های بعدی برای شناخت فضای اجتماعی یک مقطع تاریخی، به همین تصاویر و روایت‌ها رجوع می‌کنند، به همین دلیل، اهمیت پروژه‌های امروز را نباید صرفاً در زمان حال جستجو کرد.

اکنون مراسم باشکوه تشییع رهبر انقلاب در تهران به پایان رسیده و دوربین‌ها آرام‌آرام از خیابان‌ها جمع می‌شوند؛ اما کار اصلی فیلمسازان تازه آغاز شده است. صدها ساعت تصویر باید مرور شود، روایت‌ها باید شکل بگیرند، شخصیت‌ها انتخاب شوند و از دل انبوه تصاویر، فیلم‌هایی ساخته شوند که شاید سال‌ها بعد، یکی از مهم‌ترین اسناد تصویری این روز تاریخی به شمار آیند.

همزمان با برگزاری تشییع رهبر شهید چندین پروژه سینمایی و مستند توسط فیلمسازان و نهادهای مختلف کلید خورده است؛ آثاری که قرار است هر کدام بخشی از این روز را برای حافظه تصویری ایران ثبت کنند.

در تاریخ سینما، برخی روزها تنها در حافظه رسانه‌ها باقی نمی‌ماند، بلکه به حافظه تصویری یک ملت تبدیل می‌شوند. بسیاری از آنچه امروز از رخداد‌های بزرگ قرن بیستم و بیست‌ویکم در ذهن مخاطبان جهان مانده، بیش از آنکه حاصل گزارش‌های خبری باشد، محصول فیلم‌های مستند و روایت‌های سینمایی است. به همین دلیل است که در همه جای دنیا، فیلمسازان همزمان با وقوع رخداد‌های بزرگ اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی، دوربین‌های خود را به میدان می‌آورند؛ نه فقط برای ثبت اتفاق بلکه برای روایت انسان‌هایی که در دل آن وقایع حضور دارند.

مراسم تشییع رهبر انقلاب نیز از همین جنس رویدادهاست؛ اتفاقی که صرفاً در چند ساعت یا چند روز خلاصه نمی‌شود و در سال‌های آینده، به یکی از اسناد تصویری تاریخ معاصر تبدیل خواهد شد. طبیعی است که سینما نیز همزمان با رسانه‌ها، مأموریت خود را آغاز کند.

از «حال خونین‌دلان ۱» تا «حال خونین‌دلان ۲»

یکی از مهم‌ترین پروژه‌های اعلام‌شده، مستند «حال خونین‌دلان ۲: پهلوان جهان» به کارگردانی بهروز افخمی است. اهمیت این پروژه تنها به ساخت یک مستند تازه محدود نمی‌شود، بلکه به امتداد یک تجربه تاریخی بازمی‌گردد.

افخمی در سال ۱۳۴۹، یک سال پس از رحلت امام خمینی (ره)، مستند «حال خونین‌دلان» را ساخت؛ فیلمی که برخلاف بسیاری از آثار آرشیوی آن دوران، تلاش می‌کرد به جای ثبت صرف مراسم، حال و هوای جامعه و احساسات مردم را روایت کند.

اکنون او پس از بیش از سه دهه، دوباره به همان تجربه بازگشته است.

آن‌گونه که افخمی توضیح داده‌است، مستند تازه نیز صرفاً گزارشی از مراسم نخواهد بود. او این بار روایت خود را بر حضور مهمانان خارجی بنا کرده است؛ افرادی که از کشورهای مختلف برای حضور در مراسم به ایران آمده‌اند و تجربه شخصی آنها، ستون اصلی روایت فیلم را شکل می‌دهد.

«حال خونین‌دلان ۲» به تهیه‌کنندگی میثم کریمی و با حمایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در حال تولید است و به نظر می‌رسد یکی از نخستین آثاری باشد که با نگاهی سینمایی به این رویداد خواهد پرداخت.

حوزه هنری؛ یک عملیات گسترده مستندسازی

در کنار پروژه افخمی، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های در حال اجرا، پروژه حوزه هنری است که با مدیریت و مشاوره رضا میر کریمی شکل گرفته است.

میر کریمی اگرچه در سال‌های اخیر بیشتر با آثار داستانی شناخته می‌شود، اما فعالیت حرفه‌ای خود را از مستندسازی آغاز کرده و تجربه مدیریت پروژه‌های گسترده فرهنگی و سینمایی را نیز در کارنامه دارد.

آنچه در حوزه هنری در حال انجام است، تنها ساخت یک مستند نیست، بلکه یک عملیات گسترده تصویربرداری محسوب می‌شود.

چندین گروه مستندسازی در نقاط مختلف مستقر شده‌اند تا از زوایای مختلف، تصاویر این روز را ثبت کنند؛ تصاویری که در ادامه می‌توانند به یک یا چند مستند مستقل تبدیل شوند.

مرکز گسترش؛ روایت یک مراسم در چند جغرافیا

همزمان با حوزه هنری، مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمای نیز پروژه مستقلی را آغاز کرده است.

حامد شبکینیا و مهدی شامحمدی هدایت و مشاوره این پروژه را برعهده دارند و گروه‌های تصویربرداری آنها در تهران، قم و مشهد مستقر شده‌اند. همین گستره جغرافیایی، تفاوت مهم این پروژه با



برای آخرین بار ترامپ رامسخره کرد

به نقل از ورایتی، یک ماه پیش از فوت، راب راینر آخرین نقش زندگی خود را ایفا کرد و در نقش جورج واشنگتن در سریال کمدی تاریخی لری دیوید با عنوان «زندگی، لری و جستجوی بدبختی» در برابر دوربین رفت. حضور او در این سریال شبکه HBO تا زمان پخش این قسمت (۳ جولای) مخفی نگه داشته شد. جف شافر کارگردان این سریال، به راینر که منتقد صریح دونالد ترامپ بود اجازه داد تا آخرین تمسخر خود را نثار رئیس جمهور فعلی آمریکا کند. در این سریال راینر در نقش واشنگتن، سخنرانی و در آن اعلام می‌کند که برای سومین دوره به دنبال ریاست جمهوری نخواهد بود و می‌افزاید که کنگره می‌تواند اصلاحیه قانون اساسی را تصویب کند تا روسای جمهور آینده را از ماندن در قدرت منع کند. لری دیوید که لباس استعماری دهه ۱۷۰۰ را برتن دارد از وی می‌پرسد: «خب، اگر یک احمق، یک آدم خودشیفته که از قانون اساسی پیروی نمی‌کند، در قدرت باشد چه؟» و این سوال به یک جلسه طولانی انتقاد از کسانی که می‌دانید چه کسانی هستند تبدیل می‌شود. در این برنامه راینر در نقش واشنگتن بر اهمیت انتقال سالم‌تامیز قدرت تأکید می‌کند و لری می‌گوید هر رئیس‌جمهور فرضی که در آینده نتواند شکست در انتخابات را بپذیرد، یک جامعه‌ستیز و احمق دروغگو و متزلزل است که حتی در گلف تقلب می‌کند. لری می‌گوید: او می‌تواند از ریاست جمهوری برای ثروتمند کردن خود و خانواده‌اش استفاده کند. او می‌تواند سربازانی را به شهرهای آمریکا بفرستد تا شهروندان آمریکایی را بترسانند و حتی بکشند، همه برای اینکه توجه‌ها را از این واقعیت که با یک کودک‌آزار دوست است، منحرف کند؛ جیمی کیمبل نیر در این برنامه به عنوان یک آمریکایی دیگر، حضوری کوتاه دارد و چنین استدلال می‌کند: آیا منظور‌تان این است که رئیس‌جمهور وقت می‌گذارد تا هر کسی را که جرات می‌کند او را مسخره کند، به چالش بکشد؟ انگار که یک بچه بزرگ است؟ در نهایت، استعمارگران از فکر اینکه چنین مردی روزی کشور را رهبری کند، به فریاد زدن و دعوای فیزیکی روی می‌آورند. این برنامه با نمایی از راینر که در حال مشاهده این جنون است، پایان می‌یابد. او می‌گوید: ما به جهنم رفته‌ایم. این قسمت با پیام «به یاد و افتخار بازنگر و فیلمساز ققید» به پایان می‌رسد. شفر که در ساخت سریال «زندگی، لری و جستجوی بدبختی» مشارکت داشته و هر هفت قسمت را کارگردانی کرده، به ورایتی گفت: کارگردانی راینر یک تجربه سوررئال بود زیرا «او در کوه راشمور کارگردانان جای دارد». وی افزود: من و دیوید از همان ابتدا می‌دانستیم که راینر باید نقش اولین رئیس جمهور آمریکا را بازی کند، اما دیوید یک شرط داشت: «باید ریش‌ت را بتراشی». شفر چنین به یاد آورد: راب گفت: «جدی؟» و لری اصرار داشت که «جورج واشنگتن ریش نداشت». راب هرگز ریشش را نمی‌زد، اما از آنجا که واقعاً می‌خواست در این نقش ظاهر شود، ریشش را تراشید. آنها طرح را ۱۳ نوامبر (حدود یک ماه قبل از کشته شدن راینر و همسرش در خانه‌شان)، در یونیورسال فیلمبرداری کر ند

مردم آمریکا گرفتار ترامپ هستند

■ به نقل از ورایتی، جسی آیزنبرگ بازیگری که به کارگردانی روی آورده‌است، در جشنواره فیلم کارلووی واری ۲۰۲۶ حضور دارد تا جایزه پرزیدنت این رویداد را دریافت کند.

وی که کارگردان فیلم «یک درد واقعی» را در کارنامه دارد، با وجود این که به تازگی تأییت لهستانی دریافت کرده‌است، گفت که به ترک آمریکا در آینده نزدیک فکر نمی‌کند چون احساس مسئولیت می‌کند و باور دارد وقتی کشورش با ریاست جمهوری ترامپ دست و پنجه نرم می‌کند، باید در نیویورک بماند و در کنار مردم باشد. وی عنوان کرد: من یک آمریکایی بسیار خوش‌شانس هستم. زندگی خوبی دارم. همسرم معلم است و به دانش‌آموزان زیادی درس می‌دهد که به اندازه ما خوش‌شانس نیستند. باور دارم ما، مسئول هستیم که در نیویورک بمانیم و به آنهایی که در این دوره سخت تاریخ آمریکا دارند با مسائل دست و پنجه نرم می‌کنند، کمک کنیم، نه، من نمی‌خواهم بروم چون از سیاست‌های آمریکا خوشم نمی‌آید، باید بمانم و به مردم کمک کنم.

تلاش بعدی آیزنبرگ به عنوان یک کارگردان، کمدی موزیکال «اولین» است که با بازی جولیان مور و پل جیماتی قرار است ۳ دسامبر اکران شود.

اولین تریلر رسمی فیلم هفته پیش و تنها یک روز پس از اعلام خبر همکاری کمپانی تهیه‌کننده فیلم یعنی A۲۴ با گوگل در زمینه تحقیقات هوش مصنوعی منتشر شد. این همکاری منجر به همکاری این استودیوی مستقل با گوگل برای توسعه فناوری‌های جدید هوش مصنوعی در فیلمسازی خواهد شد.

بسیاری از طرفداران فیلم که از این خبر ناراحت شده بودند به پست‌های شبکه‌های اجتماعی تریلر هجوم بردند تا ناامیدی خود را از این همکاری و رد دخالت هوش مصنوعی در فیلمسازی - به ویژه فیلمسازی مستقل با مجوریت هنرمند - ابراز کنند.

در پاسخ به این سوال که آیزنبرگ چه احساسی در مورد زمان‌بندی نامناسب انتشار تریلر دارد و آیا ممکن است به نحوی بر کار او تأثیر گذاشته باشد، گفت که در مورد آن صحبت نمی‌کند و افزود: این هیچ ارتباطی با من ندارد.

A۲۴ نمی‌توانست در مورد ساخت فیلم آنالوگ ما بهتر از این عمل کند، زیرا فیلم در دهه ۱۹۹۰ اتفاق می‌افتد، با حضور ۲ بازیگری که همیشه مشغول هستند و در فیلم فوق‌العاده ظاهر شده‌اند.

وی افزود: فیلمبرداری ما روی فیلم انجام شد که این روزها کار خیلی نادری است، بنابراین حس فیلمی از دهه ۹۰ را دارد که دوران بزرگ شدن من و شروع تماشای فیلم‌های مستقل بود. فیلم ما نمی‌توانست آنالوگ‌تر از این باشد.



احیای خیالی‌نگاری وبازسازی فرهنگ

■ هنر عاشورایی در فرهنگ ایرانی، نقطه اتصال هنر مردمی و هنر رسمی و کلاسیک است. آثار هنری ادبی منظوم در قالب اشعار سوگو، نسخه های تعزیه و منظومه های مذهبی و غزل‌های عاشورایی، نگارهای ایرانی از عهد صفوی به این‌سو که در نقاشی

ایرانی فصل مهمی را به خود اختصاص داده و نیز نعمات گوناگون از تعزیه گرفته تا نوحه‌ها و سوگسرودهای شاعران و آهنگسازان در چند قرن، فرهنگی با نام فرهنگ عاشورایی را با تأثیرگذاری وسیع

در زیست انسان ایرانی، صورت‌بندی کرده است. ادبیات منظوم ایران از همان سده‌های نخست اسلامی، به شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ادای دین کرده و در سوگ او اشعاری را سرودند اما از زمانه صفوی است که سوگ سرودهای حضرت امام حسین علیه السلام به گونه‌ای محترم در شعر فارسی بدل می‌شود.

نقاشان ایرانی در همان دوره، در دیوارها و نگارهای اختصاصی خود و پرده‌نگاری‌ها تصاویر متعددی از رخداد کربلا را برگرفته از مقتل‌ها نقاشی می‌کردند و پس از نگارش کتاب «روضه الشهدا» به قلم حسین واعظ کاشفی، ریشه و اساس روضه‌خوانی و نقاشی‌های خیالی‌نگاری از واقعه عاشورا سر و شکل گرفت.

هنر عاشورایی در همه این دوره‌ها صرفاً نمی‌خواست که رای وی یک ستنزیی خسرت بود. مردم ایران نخستن پای نقل و پرده‌خوانی مرشد را بر پرده‌هایی که زیبایی‌شناسی ویژه خود را داشت و بعدها مرشدها در قهوه‌خانه‌ها با نقاشی‌های روی دیوار آن قصه‌ها را نقل می‌کردند. عزاداری خود را بر شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام انامه می‌دادند؛ همان‌گونه که امروز نیز تماشای تعزیه یا تئاتری از داستان عاشورا استمرار سوگواری برای تماشایران است. حتی تماشای یک پرده از فرق شگافتة یاران حضرت و دست بریده حضرت ابوالفضل علیه السلام نیز همان کارکرد عزاداری را دارد. قهوه‌خانه‌ها از عهد صفوی مرکز مهم ارتباط در حوزه عمومی جامعه ایران بوده است. قدرت ارتباطی و کارکرد اجتماعی قهوه‌خانه‌ها در دوره قاجار تقویت شد. قهوه‌خانه‌های شهری، روستایی و بین شهری، با دیوارهای نقوش به نقاشی های حماسی و مذهبی، پیوندی میان پهلوانان، اسطوره‌ها و مقدسان مذهبی بود. نقل و مرشد هم در قهوه‌خانه جایگاهی ارجمند داشت که قدرت ارتباطی او به واسطه نقاشی‌ها تکمیل می‌شد. نقاشی قهوه‌خانه‌ای و کار نقل و مرشد و محل نشست و برخاست اهالی محل و یا استراحت مسافران و اسکان آنها قهوه‌خانه را به یک مکان رسانه در تاریخ و فرهنگ عامه ما بدل کرده بود. از این رو قهوه‌خانه محل ارائه پدیده‌های هنری فرهنگ عامه محسوب می‌شد. از این رو نقاش قهوه‌خانه‌ای که عموماً نقاشی مکتب ندیده بود و قلم زن را خود آموخته بود و در نهایت پیش پدر یا استاد خود که او هم همین کار را می‌کرد و سینه به سینه آموخته بود، هرگز به دنبال نقاشی حرفه‌ای به معنای مرسوم آن نبوده و او نیز به مانند اسلاف خود، نقش‌ها را با دل می‌زد نه با تکنیک و مهارت‌های نقاشانه، او باید در نقاشی خود، پیامش را با صراحت بیان می‌کرد و از هر گونه پیچیدگی و ابهام و ابهام پرهیز می‌کرد و شخصیت‌ها را طوری قلم می‌زد که مخاطبش او را می‌شناخت.

وقایع نقاشی قهوه‌خانه‌ای در دل روضه‌ها و نوحه‌ها و مقتل‌ها و تعزیه‌ها وجود داشته و برای همین مخاطب آن، با دیدن آن نقاشی داستان را به یاد می‌آورد، می‌دانیم که نقاشی قهوه‌خانه‌ای هم مثل تعزیه در دوره رضاخانی به محاق فرو رفت و دیگر کسی نبود که بخواهد این نقش ها را در دیوار قهوه‌خانه بکشد. از طرفی رادیو هم جای نقل را گرفته بود و دیگر کمتر نقل و مرشدی پا در قهوه خانه می‌گذاشت تا روایتی از کربلا را برای مردم بازگو کند. برای همین تعزیه و نقاشی خیالی‌نگاری به موزه رفته بود. با برپایی برنامه‌ها و رویدادهایی مانند «خیمه هنر»، باز اجرایی تعزیه‌ها و بازتولید نقاشی خیالی‌نگاری از حیطه موزهای بدون خارج و وارد زندگی روزمره می‌شود. نقاشی خیالی‌نگاری فارغ از فرهای زیبایی شناسانه در نقاشی، به اصول زیبایی شناسی نانوشته خود پای بند است و بیابگر ذهنیات تصویری فرهنگ عامه ایران از وقایع مذهبی، اسطوره ای، حماسی و پهلوانی است که اوج آن واقعه عاشورا است. «خیمه هنر» در دومین تجربه نظاممند خود در تابستان و روزگاری که ایام وداع با رهبر شهید است، کارکردی دوگانه را پیش روی خود دارد. در خیمه هنرهای تجسمی هنرمندانی حضور دارند که آثاری در فرم سنتی و مدرن خلق می‌کنند و برای مخاطب و بینندگان این خیمه با صدای تعزیه و نعمات عاشورایی نقش‌هایی را رقم می‌زنند که تقابل زیبایی را در سوگ پدید می‌آورد. یا خوشنویسانی که خطوط و اشعار و احادیثی از معصومین، برای مردم خطاطی می‌کنند و آنها نیز به یادگار جمله‌ها یا شعری را که دوست دارند به خانه می‌یرند، عباس گنجی، پریسا شادقزوینی، سعید مسیبی، سهیل مسیبی، سعید فراهانی، موحد بیراوند، محبوبه پهلوان، زهرا صفی آبادی، سعیده صفی آبادی، مریم شرافتی و زهرا جعفری از جمله هنرمندان نقاش و هائی شرار، اسماعیل کرامتی، منصور خرمی، عاطفه دامن باغ، مونا محسنی، یونس چناری، شهرورز لولل‌الهی، مهدی سهرایش، شقایق میری، ستاره قانع، علی کاظم تاش و شعبانی؛ هنرمندان خوشنویس در این خیمه هستند، همچنین، فاطمه مهاجری و سارا عباسی، کار آموزش نقاش کودک و حبیبه یوسفی هم کار چیدمان شهدای ناو دنا و مدرسه «شجره طیب» میناب را انجام داده‌اند. هنر عاشورایی در قالب موسیقی و ادبیات و نقاشی و نمایش در همه این سال‌ها از عصر قاجار تا امروز به انحا مختلف ابزاری برای بیان اندیشه ووزی مذهبی، ایده مبارزه با ظلم و بیان احساسات درونی مردم نسبت به خاندان اهل بیت بوده است. از آنجا که شیعه، ریشه و منشا شهادت و ایستادگی در برابر جبهه باطل و ظلم را در واقعه عاشورا می‌داند هنرمندان شیعی نیز در بسیاری از رفتارهای هنری عناصر عاشورایی را بسط و گسترش داده‌اند. از ظرایف هنر عاشورایی این است که نقطه نقل آن همیشه در ایران بوده و اگر در نقاط دیگری از کشورهای مسلمان فرم و مضمونی از هنر عاشورایی اجرا شده است باید در جستجوی رگ و ریشه ایرانی آن باشیم.

خونخواهی رهبر شهید در ترازوی حقوق بین‌الملل



فرماندهی کل قوا، نمی‌تواند به منزله نظامی بودن ایشان تلقی و توجیه‌کننده ترور باشد.

مسیرهای حقوقی پیش رو

طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)^۱: به دلیل نقض منشور ملل متحد
مراجعه به دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)^۲: برای پیگرد کیفری عاملان و آمران
اقدام در شورای امنیت سازمان ملل : برای محکومیت و اقدام علیه متجاوزان

مستندسازی و فشار افکار عمومی : به‌عنوان گامی اساسی برای تحقق عدالت

خونخواهی؛ فراتر از یک شعار

آنچه در این چند ماه رقم خورد، خونخواهی را از یک خواست احساسی به یک مسئله حقوقی جدی در عرصه بین‌المللی تبدیل کرده است. نشست تخصصی فریاد خونخواهی با هدف تبیین اهمیت این مطالبه برگزار شد و در آن تأکید شد: مسئله خونخواهی تنها پرخاسته از تأثرات وجدانی نیست، بلکه یک ضرورت عقلایی برای بقای جامعه محسوب می‌شود.

آیت‌الله سید احمد خاتمی، خطیب نماز جمعه تهران نیز خونخواهی رهبر شهید را خواست همگان دانست و گفت: امام‌خامنه‌ای با مشت گره‌کرده به دیدار خدا رفت.

خونخواهی آقای شهید ایران، امروز به پرچمی تبدیل شده که نه فقط مردم ایران، بلکه آزادگان جهان را زیر سایه خود جمع کرده است - پرچمی که تا تحقق کامل آن، از جای جای ایران و جهان اسلام، فریاد «یا لثارات الحسین» و «الموت لأمریکا» برخاود خاست.

مسلمانان از ظلم آمریکا و رژیم صهیونیستی است.

وی تأکید کرد: باید برخاست و ندای خونخواهی ملت را به جهان رساند.

مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری نیز در واکنش به شهادت، صریحاً اعلام کرد: جمهوری اسلامی ایران خونخواهی و انتقام از عاملین و آمرین این جنایت تاریخی را وظیفه و حق مشروع خود می‌داند.

وی خونخواهی رهبر شهید را حق مسلم امت اسلامی عنوان کرد.

پزشکیان در مراسم وداع گفت: من با رهبری وداع نکردم و نخواهم کرد. رهبری در دل من، در ذهن من و در مقابل من زنده است و همیشه زنده خواهد ماند.

شورای عالی امنیت ملی در بیانیه‌ای قاطع اعلام کرد: تا خونخواهی رهبر شهید از پای نخواهیم نشست.

دبیرخانه این شورا نیز گزارش داد که مردم در وداع با رهبر شهید، شعار انتقام خون رهبر شهید را فریاد می‌زنند.

سعید جلیلی، نماینده رهبر در شورای عالی امنیت ملی خونخواهی را حق مردم و وظیفه مسئولان توصیف کرد و آن را «مطالبه مردم» دانست.

وزارت اطلاعات در اطلاعیه‌ای رسمی اعلام کرد: دل‌های آزردہ مردم غیور... انتقام خون رهبر شهید و شهادی مظلوم را خواهیم گرفت، مجلس خبرگان در پیمای بر حفظ روحیه انتقام و خونخواهی تأکید کرد.

محمد مخبر، مشاور و دستیار رهبر انقلاب با لحنی قاطع گفت: قاتلین امام شهید به مرگ طبیعی نخواهند مرد و نظام انتقام خواهد گرفت.

خونخواهی رهبر شهید در ترازوی حقوق بین‌الملل

خونخواهی در آیینہ حقوق بین‌الملل

خونخواهی در ادبیات حقوق بین‌الملل، به معنای پیگیری حقوقی و کیفری عاملان و آمران یک اقدام غیرقانونی از طریق سازوکارهای مشروع بین‌المللی است. این ترور، از چند جهت نقض آشکار قواعد بنیادین محسوب می‌شود:

نقض حاکمیت ملی و منع توسل به زور

بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، تمامی اعضا از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت منع شده‌اند. ترور رهبر یک کشور مستقل، بارزترین مصداق این نقض است.

نقض حق حیات

این اقدام، نقض آشکار حق حیات به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشری است که در میثاقین بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است.

جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت

بر اساس کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷)، اصولی مانند تفکیک، تناسب و احتیاط بر عملیات نظامی حاکم است. رویه عملی آمریکا در سال‌های اخیر نشان داده که این کشور با برچسب تروریست، هر کس را که موجودیتش با منافع آن کشور در تعارض قرار گرفته، مورد کشتار به اصطلاح هدفمند قرار می‌دهد، اقدامی که ناقض موازین حقوق بشردوستانه است.

پایگاه اطلاعات‌رسانی دفتر رهبری نیز در تحلیلی تأکید کرده که اختیار

از شهادت رهبر انقلاب در ۹ اسفند تا تشییع میلیونی در تیرماه، خونخواهی آقای شهید ایران به مطالبه‌ای همگانی بدل شده است. ۹ اسفند ۱۴۰۴، روزی که در تاریخ ایران ماندگار شد، در ساعات ابتدایی صبح، حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در حمله‌ای مشترک از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند. آنچه از آن روز تا تشییع باشکوه در تیرماه ۱۴۰۵ رقم خورد، نه فقط یک سوگ ملی، بلکه آغاز یک مطالبه تاریخی بود: خونخواهی رهبر شهید.

سفیر ایران در انگلیس، این اقدام را نقض آشکار حقوق بین‌الملل و جنایتی بی‌سابقه علیه رهبر یک کشور مستقل توصیف کرد.

حسن عبدالیان پور، رئیس مرکز وکلای قوه قضائیه نیز این ترور را جنایت علیه صلح خواند که مسئولیت کیفری آن بر عهده رژیم

بلافاصله پس از تأیید شهادت، کشور ۴۰ روز عزای عمومی اعلام شد و تزاروسه آمریکا و متحدان پلید او است.

پرچم‌های سرخ خونخواهی در سراسر ایران به اهتزاز درآمد.

از وداع تا تشییع: وداعی که به حماسه تبدیل شد

مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهید، طی روزهای ۱۳ تا ۱۸ تیرماه ۱۴۰۵ برگزار شد:

شنبه و یکشنبه (۱۳ و ۱۴ تیر): وداع عمومی در مصلی بزرگ امام خمینی (ره) تهران. جمعیتی میلیونی با شعارهای «مقاومت در برابر دشمنان» و «انتقام خون رهبر شهید» به مصلی آمدند.

دوشنبه (۱۵ تیر): تشییع در تهران از خیابان دماوند و شرق تهران تا میدان آزادی

سه‌شنبه (۱۶ تیر): تشییع در قم

پنج‌شنبه (۱۸ تیر): تشییع و خاکسپاری در حرم مطهر رضوی در مشهد

در این مراسم، شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» در کنار «انتقام، انتقام» به گوش می‌رسید. سرپرست ستاد امر به معروف و نهی از منکر، این مراسم را یکی از ماندگارترین صحنه‌های تاریخ انقلاب توصیف کرد.

خونخواهی رهبر شهید در ترازوی حقوق بین‌الملل

خونخواهی؛ روایتی از زبان مسئولان ارشد

مطالبه خونخواهی، تنها به مردم محدود نشد؛ بلکه تمام ارکان نظام بر آن تأکید کردند:

ججت الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژای، رئیس دستگاه قضا با صراحت اعلام کرد: مردم ایران با وجود داغ سنگین شهادت رهبر انقلاب، خونخواه ایشان و همه شهادی جبهه مقاومت هستند. وی تأکید کرد: چهار ماه است مردم خونخواه رهبر شهید انقلاب هستند.

رئیس دستگاه قضا و در واکنش به شعارهای انتقام‌جویانه مردم گفت: مردم ما رثوف هستند اما می‌خواهند هیچ جنایتکاری این جنایت جنگی را مرتکب نشود.

وی همچنین درباره جایگاه رهبر شهید تصریح کرد: رهبر شهید ما بعد از این همه زحمت و رنجی که در راه هدایت مردم و انقلاب کشیدند، نباید اجری به جز شهادت نصیبشان می‌شد.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس نیز خونخواهی را فراتر از یک مطالبه ملی دانست و گفت: خونخواهی رهبر شهید انقلاب، آزادی همه

منظومه پنج‌ضلعی رهبر شهید در حوزه رفاه و بهزیستی



الناس بالقسط» یعنی پیامبران برای برپایی قسط و عدل مبعوث شدند. عدالت ترجیحی و نگاه ویژه به نیازمندان وی ادامه داد: البته عدالت می‌تواند معنای توزیعی هم داشته باشد یعنی امکانات و ظرفیت‌ها به همه جامعه داده شود و این امر نیز باید حتماً محقق شود. اما در عین حال، بخش‌هایی از جامعه که آسیب بیشتری دیده‌اند و با محرومیت‌های مضاعف تاریخی، اجتماعی، فرهنگی یا حتی زیستی روبه‌رو بوده‌اند در نگاه قائد شهید و در نگاه دین باید در اولویت قرار گیرند، به این رویکرد عدالت ترجیحی یا عدالت ترمیمی گفته می‌شود. رئیس سازمان بهزیستی تصریح کرد: از این منظر، سازمان بهزیستی غالباً با جامعه‌ای سروکار دارد که بیش از دیگران به عدالت ترمیمی و ترجیحی نیاز دارد تا امکانات و ظرفیت‌های آنان بالفعل شود و بتوانند از رفاه نسبی و نقش خود در توسعه برخوردار شوند. وی افزود: این نوع نگاه همان نگاه نظریه توسعه انسان‌منا است، نظریه‌ای که بر اساس آن همه انسان‌ها باید در توسعه نقش‌آفرینی کنند زن و مرد، پیر و جوان، باسواد و بی‌سواد، افراد دارای معلولیت و افراد غیرمعلول، همه این گروه‌ها ظرفیت دارند و جامعه باید شرایطی فراهم کند تا همگی بتوانند در توسعه نقش داشته باشند. حسینی ادامه داد: برای اینکه همه در فرایند توسعه نقش‌آفرینی کنند، لازم است برخی بخش‌های جامعه بیشتر مورد توجه قرار گیرند تا ظرفیت‌هایشان شکوفا شود. برای مثال، وقتی می‌گوییم باید مدرسه استثنایی ایجاد شود یا مرکز توان‌بخشی تأسیس گردد یعنی باید شرایطی فراهم کنیم تا این افراد بتوانند توانایی‌های خود را شکوفا کنند. وی اظهار کرد: نظریه امتداد نیز در حوزه وسایل ارتباط جمعی شکل گرفته و من آن را به‌نوعی تعمیم‌یافته در این بحث می‌دانم. برای نمونه اگر کسی کمبیناست می‌توان با فناوری، یک نوت‌تیکر را امتداد چشم او دانست یا با سمک، امتداد گوش او، یا با ویلچر، امتداد پای او. در نتیجه این نگاه همان نگاه عدالت ترجیحی است و طبیعتاً به هزینه بیشتری نیاز دارد تا بتوان بخشی از جامعه را که شامل معلولان، افراد بی‌سرپرست، کودکان یتیم و کسانی است که در معرض آسیب قرار دارند، در این مسیر قرار داد. رئیس سازمان بهزیستی گفت: این رویکرد همان نظریه توسعه انسان‌مبناست، قابلیت‌های هر فرد را به‌طور کامل باید در نظر توسعه نقش ایفا کنند، نکته دوم این نظریه آن است که همه جامعه باید از موهاب توسعه نیز بهره‌مند شوند. البته در اینجا نیز عدالت ترجیحی و ترمیمی می‌گوید که برخی از گروه‌ها به دلیل همان محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های تاریخی و اجتماعی باید بیشتر مورد حمایت و بهره‌مندی قرار گیرند. وی تأکید کرد: این نوع نگاه یعنی عدالت ترمیمی و ترجیحی، در دیدگاه قائد شهید و در تمام دیدارها و مطالبه که پیرامون بهزیستی و بهزیستن بیان می‌کرد، به‌وضوح دیده می‌شد. دسترس پذیر کردن جامعه مؤلفه سوم حسینی، سومین مؤلفه این منظومه فکری را دسترس‌پذیر کردن جامعه برای افراد دارای معلولیت دانست و گفت: من آگاهانه از واژه دسترس‌پذیری استفاده می‌کنم و نه مناسب‌سازی چرا که اندیشه قائد شهید نیز بر همین محور استوار بوده‌ی، افزود: چرا واژه مناسب‌سازی گویا و رسا نیست؟ زیرا در ادبیات رایج، مناسب‌سازی ذهن را به سمت نوعی لطف یا امتیاز سوق می‌دهد. گویی جامعه در وضعیت استاندارد خود برای این افراد طراحی نشده و ما با رویکردی



باز هم ماییم و دنیای بی‌علی

درباره حادثه ترور مسجد ابودر گفته بود: «وقتی بیهوش شدم، خودم را در آستانه برزخ دیدم. ناگهان همه زندگی گذشته پیش چشمم مجسم شد. با خودم گفتم: چه داری برای عرضه؟ هرچه فکر کردم، دیدم زندان، مبارزه، تدریس و همه زحماتم در برابر خدا قابل مناقشه است؛ مگر اینکه خدا تفضلی کند.»

شاید همان چند دقیقه، تمام زندگی بعد از آن را ساخت. شاید خدا مرگ را به او نشان داد تا دیگر هیچ روزی را برای خودش زندگی نکند.

و چه عجیب که پس از آن، بیش از پیش همه زندگی‌اش شد «تکلیف».

نه برای آنکه نامی بماند، نه برای آنکه تصویری در تاریخ ثبت شود؛ برای آنکه وقتی دوباره آن سؤال تکرار شد، بتواند بگوید: «خدايا، هرچه داشتم آوردم.»

امروز که او رفته است، تازه می‌شود فهمید این چهل سال، فقط تاریخ یک رهبری نبود؛ تاریخ مردی بود که لحظه‌ای از دغدغه این سرزمین دست نکشید.

حالا باز هم ماییم و دنیای بی‌علی.

برزخ این بار برای او نیست؛ برای ماست.

برزخی که هر روز از خودمان بپرسیم: با آن همه ظرفیت چه کردیم؟ از آن همه هشدار چه فهمیدیم؟ از آن همه امید چه ساختیم؟ و از آن همه سال، چه سهمی برای آینده برداشتیم؟ مانند لحظه مرگ، تمام کارنامه او و عملکرد ما در قبال آن، پیش چشم همه ماست؛ کارنامه مردی که هرجا بوی وابستگی می‌آمد، قاشتش را سهر می‌کرد.

یک روز پشت جوانانی ایستاد تا چراغ فناوری هسته‌ای را روشن نگه دارند. پشت دانشمندان نانو، سلول‌های بنیادی، پزشکی، هوافضا، صنایع دفاعی و امروز هم هوش مصنوعی؛ که همه می‌خواستند ثابت کنند ایرانی می‌تواند بی‌نیاز از دیگران قلمه‌های علم را فتح کند.

سخن از موشک و توان دفاعی، فقط حرف از سلاح نبود بلکه افق او استقلال ملتی بود که قرن‌ها هزینه دخالت بیگانگان را پرداخته بود.

نگاهش فقط به میدان‌های نظامی محدود نبود. هرجا احساس می‌کرد ریش‌های از این سرزمین در معرض آسیب است، همان‌جا می‌ایستاد. کنار کارگر و تولید ملی، کنار دانش‌نیان، کنار کتاب و کتابخوانی، کنار شاعران و زبان فارسی و ادبیات و تاریخ کهن ایران، کنار مادر و فرزند و خانواده و زن ایرانی و مسلمان، کنار درخت و محیط زیست.

او بارها تکرار کرد که ایران باید قوی شود؛ قوی در اقتصاد، قوی در علم، قوی در فرهنگ، قوی در عدالت، قوی در امید، قوی در اخلاق، و شاید کمتر کسی فهمید که این جمله، یک شعار سیاسی نبود؛ وصیت مردی بود که می‌دانست ملت ضعیف، همیشه باید هزینه قدرت دیگران را بپردازد.

اما دغدغه‌اش به مرزهای ایران ختم نمی‌شد. برای او، انسان اگر انسان بود، جغرافیا نداشت. از فلسطین گفت، چون کودک کشته‌شده، ملیت نمی‌شناسد. از لبنان گفت، چون مقاومت را بخشی از کرامت انسان می‌دانست. از عراق، افغانستان، پاکستان، یمن، میانمار و هر نقطه‌ای که بوی ظلم می‌آمد سخن گفت، چون باور داشت عدالت، مرز ندارد.

دو بار برای جوانان اروپا و آمریکای شمالی نامه نوشت؛ نه برای دولت‌هایشان، بلکه برای خودشان. دعوتشان کرد اسلام را از قرآن بشناسند، نه از تیتُر رسانه‌ها. از آنان خواست پیش از آنکه درباره مسلمانان فضاوت کنند، خودشان حقیقت را جست‌وجو کنند.

سال‌ها با اسلام‌هراسی، نژادپرستی، استعمار نو و استانداردهای دوگانه حقوق بشر سخن گفت. از قربانیان جنگ دفاع کرد و از ملت‌های مستقل حمایت.

و تا آخرین روزهای عمر، نسبت به آنچه فروپاشی اخلاق در جهان می‌دانست، هشدار داد؛ که آخرین نمونه آن در آخرین سخنرانی او بود. آنجا که افسوس خورد از گسترش فساد در جوامع غربی پس از افشای ماجرای جزیره بدنام و فاسد(اپستین)، هرچند آنجا هم پیش‌بینی کرد که همان‌طور که ماجرای این جزیره آشکار نبود و آشکار شد، خیلی چیزهای دیگر هم هست که آشکار خواهد شد.

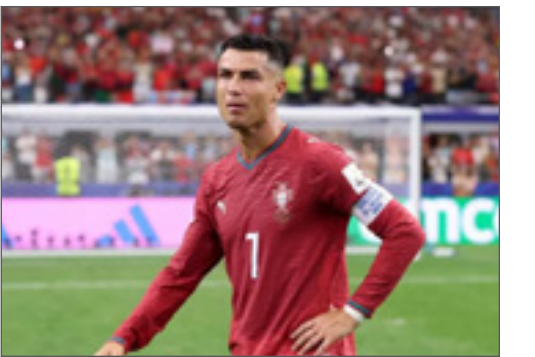
اما شاید مهم‌تر از همه این‌ها، خود او بود. مردی که روزش با قرآن آغاز می‌شد. دلش با شعر آرام می‌گرفت. برای یک واژه فارسی دغدغه داشت. از یک دانشجوی جوان امید می‌گرفت. آزادی زندانیان نیازمند را پیگیری می‌کرد و به خانواده شهدا سر می‌زد. نگران کارگر، کشاورز، معلم، نخبه، کودک، بیمار و محروم بود.

شاید راز ماندگاری بعضی آدم‌ها همین باشد؛ اینکه در ذهن مردم، فقط با تصمیم‌های بزرگ شناخته نمی‌شوند، بلکه با همین ریزه‌کاری‌های انسانی در دل‌ها خانه می‌کنند.

اکنون که او رفته است، تازه معنای آن جمله مسجد ابودر روشن‌تر می‌شود. او از خالی بودن دشت می‌ترسید. برای همین، نیمه دوم عمرش را بیشتر دويد، چهل سال گفت، چهل سال هشدار داد. چهل سال امید ساخت و چهل سال ایستاد. تا روزی که دوباره در محضر پروردگار قرار گرفت، بتواند بگوید: «گفتم، عمل کردم و آنچه در توان داشتم، فروگذار نکردم.» اما امروز... یوم‌الحسرة ماست. نه فقط برای ما، که برای امت اسلام و چه بسا بشریت. حسرت آن روزی که شاید دیر بفهمیم زیر سایه چه درخت تناوری نشسته بودیم. حسرت آن روز که تازه قدر نعمتی را بدانیم که سال‌ها بودنش را بدیهی فرض کرده بودیم. حسرت آن روز که بفهمیم بسیاری از آنچه امروز داریم، روزی فقط یک دغدغه در دل یک مرد بود. حسرتی هم برای گذشته؛ اگر او با دستی پر رفت، این ماییم که باید پاسخ بدهیم با آن میراث چه کردیم. با ایران قوی، با عدالت، با علم، با استقلال و با وحدت چه کردیم؟ و مهم‌تر از همه، با آن همه اعتمادی که به این ملت داشت، چه کردیم؟ امت اسلام حسرت صدایی را می‌خورد که بی‌وقفه آنان را به وحدت و عزت فرا می‌خواند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاعی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی
تلفن | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۸ - ۰۹۹۳۱۲۶۶۳۴ آگهی ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴



با وجدان آسوده کنار می روم

● کریستیانو رونالدو پس از شکست یک بر صفر تیم ملی پر تغال برابر اسپانیا در مرحله یک هشتم نهایی رقابت های جام جهانی گفت: فوتبال همین است، بازی خوبی را انجام دادیم اما آنها در لحظات پایانی به ما گل زدند.

● وی ادامه داد: طبیعی است که از این شکست و حذف تیم ملی کشورم ناراحت باشم. من سه عنوان قهرمانی به دست آوردم در حالی که قبل از آن هیچ چیزی نداشتیم.

● رونالدو با تمجید از سرمربی تیم ملی فوتبال پر تغال که او هم از مسئولیتش کناره گیری کرد، گفت: مارتینز مربی بزرگی است و آنچه برای پر تغال انجام داد بسیار مهم بود.

● فوق ستاره فوتبال دنیا که چهار دوره حضور در جام جهانی را تجربه کرد و در هر دوره هم گلزنی کرد، در مورد کنار رفتن تیم ملی فوتبال پر تغال گفت: حذف به این شکل ناامید کننده است، اما با وجدان آسوده کنار می روم.



خون خواهی

از شهادت رهبر انقلاب در ۹ اسفند تا تشییع میلیونی در تبرماه، خونخواهی آقای شهید ایران به مطالبه‌ای همگانی بدل شده است.۹ اسفند ۱۴۰۴، روزی که در تاریخ ایران ماندگار شد.

۷

گرفتار ترامپ

به نقل از وب‌ایتی، جسی آیزنبرگ بازیگری که به کارگردانی روی آورده‌است، در جشنواره فیلم کارلووی واری ۲۰۲۶ حضور دارد تا جایزه پرزیدنت این رویناد را دریافت کند.وی که کارگردان فیلم «یک درد واقعی» را در کارنامه دارد، با وجود این که به تازگی تابعیت لهستانی دریافت کرده‌است

۶

اعلام برنامه دیدارهای تدارکاتی تیم ملی والیبال نشسته

مسابقات والیبال نشسته قهرمانی جهان و انتخابی پارالمپیک از جمعه (۱۹ تیر) با حضور ۱۶ تیم در هر یک از بخش های مردان و زنان به میزبانی هانگزو آغاز می شود.

تیم ملی والیبال نشسته مردان ایران که مدافع عنوان قهرمانی به حساب می آید، روز دوشنبه پس از سفری ۳۶ ساعته به هانگزو محل برگزاری این رقابت ها رسید. این تیم امروز تمرین خواهد داشت و طی ۲ روز آینده و پیش از آغاز دیدارهایش در مسابقات قهرمانی جهان، برگزار کننده ۴ دیدار تدارکاتی خواهد بود. مصر نخستین حریف تدارکاتی تیم ملی والیبال نشسته به حساب می آید. دیدار با این تیم صبح روز چهارشنبه (۱۷ تیر) برگزار می شود. ملی پوشان والیبال نشسته ایران عصر همین روز دومین دیدار تدارکاتی خود را برگزار می کنند.

روز پنجشنبه هم تیم ملی والیبال نشسته برگزارکننده ۲ دیدار تدارکاتی دیگر خواهد بود که برابر آلمان و برزیل برگزار می شود.

میثم حاج بابایی، صادق بیگلری، حمیدرضا عباسی، مهدی بابادی، علی اکبری، داوود علیپوریان، حسین گلستانی، مسعود امامی، محمد نعمتی، جمال نظری، میثم علیپور و مرتضی مهرزاد ترکیب ۱۲ نفره تیم ملی والیبال نشسته مردان را در مسابقات پیش رو تشکیل می دهند. ملی پوشان ایران با هدایت هادی رضایی در این رقابت ها شرکت می کنند.

بر اساس قرعه کشی انجام شده، تیم ملی والیبال نشسته مردان ایران به عنوان مدافع عنوان قهرمانی در گروه D با بوسنی، لهستان و ژاپن همگروه شده است. برنامه دیدارهای این تیم به این شرح است: (ساعت ها به وقت ایران است)

جمعه ۱۹ تیر * ایران - لهستان (ساعت ۹ صبح)
شنبه ۲۰ تیر ماه * ایران _ بوسنی (ساعت ۱۴:۳۰)
یکشنبه ۲۱ تیر * ایران _ ژاپن (ساعت ۵ صبح)



به فکر ارتقای کیفیت باشید

شش بازیکن در فاز تهاجمی مشارکت دارند و در غیر این صورت موفق نخواهند بود. دل بستن به ضدحمله شاید در یک مسابقه نتیجه بدهد، اما در طول یک تورنمنت نمی‌تواند تضمین‌کننده موفقیت باشد.

وی تأکید کرد: اگر یک تیم می‌خواهد به نتایج بزرگ برسد، باید فوتبال متعادلی ارائه دهد؛ یعنی هم در حمله، هم در دفاع و هم در میانه میدان عملکرد مناسبی داشته باشد. این تعادل در نهایت به کسب نتایج بهتر منجر خواهد شد.

فوتبال ایران باید به جای رویای صعود، به فکر ارتقای کیفیت باشد

معنی با اشاره به ناکامی‌های متوالی ایران در عبور از مرحله گروهی جام جهانی گفت: اکنون چندین دوره است که در جام جهانی حضور پیدا می‌کنیم، اما هنوز نتوانسته‌ایم از مرحله گروهی صعود کنیم. اگر می‌خواهیم این اتفاق رخ دهد، باید یک تیم کامل و قدرتمند بسازیم. ظرفیت فوتبال ایران بالاست و این موضوع را بارها در رقابت با تیم‌های قدرتمند آسیایی نشان داده‌ایم، اما برای رسیدن به موفقیت باید نگاه کلان و برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم.

وی در ادامه با اشاره به برنامه‌ریزی تیم‌های موفق آسیایی اظهار داشت: کافی است به ژاپن نگاه کنیم. آن‌ها اهداف خود را به بهترین شکل در زمین اجرا می‌کنند و برایشان تفاوتی ندارد که مقابل برزیل بازی کنند یا سنگال یا هر تیم دیگری. این حاصل برنامه‌ریزی اصولی و تفکر بلندمدت است.

این کارشناس فوتبال در خصوص نتایج ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ گفت: از نظر نتیجه شاید کمی هم بدشانس بودیم و برخی مشکلات خارج از مسائل فنی نیز روی عملکرد تیم تأثیر گذاشت. به اعتقاد من گروه ایران آن‌قدر دشوار نبود که نتوانیم از آن امتیاز بگیریم. تصور می‌کنم اگر موفق می‌شدیم نیوزیلند را شکست دهیم، شانس بسیار خوبی برای صعود به مرحله بعد داشتیم.

معنی در پایان خاطر نشان کرد: با این حال باز هم تأکید می‌کنم که صرف صعود نکردن نباید مهم‌ترین دغدغه فوتبال ایران باشد. تا چه زمانی قرار است تنها آرزویمان عبور از مرحله گروهی باشد؟ باید هدف اصلی، ارتقای سطح فوتبال ایران باشد. زمانی که کیفیت فوتبال ما افزایش پیدا کند، صعود از گروه به یک اتفاق طبیعی تبدیل خواهد شد و حتی می‌توانیم در مراحل بالاتر نیز حضور موفقی داشته باشیم. با توجه به افزایش تعداد تیم‌های جام جهانی به ۴۸ تیم، فرصت بسیار مناسبی برای کشورهای آسیایی فراهم شده تا سطح فوتبال خود را ارتقا دهند و از این فرصت بهترین استفاده را ببرند.



باید با تارتار صحبت کنم

● مربی تیم فوتبال پرسپولیس از تمایش برای ادامه همکاری با این باشگاه خبر داد و در واکنش به خبرهای متناقضی که پیرامون او منتشر می شود، گفت: باید با سرمربی جدید و مدیریت باشگاه صحبت کنم. کریم باقری که سال هاست در کنار پرسپولیس حضور دارد و در مقاطعی هم سرمربی موقت سرخپوشان بود، در مورد همکاری اش با مهدی تارتار برای فصل آینده گفت: تارتار با من صحبت کردند و خواستند که با ایشان همکاری کنم. برای من نظر سرمربی و مدیر عامل باشگاه مهم هستند.

● وی ادامه داد: به همین خاطر در روزهای آینده با تارتار و مدیرعامل باشگاه حضوری صحبت خواهم کرد. من یک فصل دیگر با باشگاه قرارداد دارم و مشکلی برای ادامه همکاری با پرسپولیس ندارم، اما باید صحبت کنیم و تصمیم نهایی را بگیریم.